
محافل شادی
(عقد و عروسی)

بسم الله الرحمن الرحیم

محافل شادی (عقد و عروسی)

نویسنده:

عباسعلی حقیقی زاده

ناشر چاپی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

فهرست ----- ۵
محافل‌شادی (عقد و عروسی) ----- ۸
مشخصات کتاب ----- ۸
فهرست مطالب ----- ۸
مقدمه ----- ۹
رومان محفل شادی ----- ۹
حدیث اول: ----- ۱۸
حدیث دوم: ----- ۱۸
حدیث سوم: ----- ۱۹
حدیث چهارم: ----- ۱۹
حدیث پنجم: ----- ۱۹
حدیث ششم: ----- ۱۹
حدیث هفتم: ----- ۱۹
حدیث هشتم: ----- ۲۰
حدیث نهم: ----- ۲۰
حدیث دهم: ----- ۲۰
حدیث یازدهم: ----- ۲۰
حدیث دوازدهم: ----- ۲۰
حدیث سیزدهم: ----- ۲۰
حدیث چهاردهم: ----- ۲۱
حدیث پانزدهم: ----- ۲۱
حدیث شانزدهم: ----- ۲۱
حدیث هفدهم: ----- ۲۱

حدیث هیجدهم: ----- ۲۲
حدیث نوزدهم: ----- ۲۲
حدیث بیستم: ----- ۲۲
حدیث بیست و یکم: ----- ۲۲
حدیث بیست و دوم: ----- ۲۲
حدیث بیست و سوم: ----- ۲۲
حدیث بیست و چهارم: ----- ۲۳
حدیث بیست و پنجم: ----- ۲۳
حدیث بیست و ششم: ----- ۲۳
حدیث بیست و هفتم: ----- ۲۳
حدیث بیست و هشتم: ----- ۲۳
حدیث بیست و نهم: ----- ۲۴
حدیث سیُم: ----- ۲۴
حدیث سی و یکم: ----- ۲۴
حدیث سی و دوم: ----- ۲۴
حدیث سی و سوم: ----- ۲۴
حدیث سی و چهارم: ----- ۲۴
حدیث سی و پنجم: ----- ۲۵
حدیث سی و ششم: ----- ۲۵
حدیث سی و هفتم: ----- ۲۵
حدیث سی و هشتم: ----- ۲۵
حدیث سی و نهم: ----- ۲۵
حدیث چهلم: ----- ۲۶
توصیه به دعا کردن و شرایط آن ----- ۲۶

حدیث کسا ---- ۳۷
حاج آقا مرتضی ابریشم باف ---- ۴۶
ازدواج ---- ۴۷
ای دختر ایران زمین ---- ۴۹
(حاج آقا مصطفی هادوی اصفهانی) ---- ۵۰
«منفورترین حلال» ---- ۵۰
دیگر لذت نفس لذت نخواهی ---- ۵۵
توصیه ای دیگر به نسل جوان: ---- ۵۶
درباره مرکز ---- ۵۷

محافل‌شادی (عقد و عروسی)

مشخصات کتاب

نویسنده : عباسعلی حقیقی‌زاده

ناشر : مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

فهرست مطالب

عنوان صفحه

مقدمه ۲-۱

رومان محفل شادی ۱۹-۳

صفات و معرفی زن ۲۹-۱۹

مجلس عقد ۳۶-۲۹

چهل حدیث در رابطه با ازدواج ۶۰-۳۶

توصیه به دعا کردن و شرایط آن در امر ازدواج ۶۴-۶۱

اشعارمحفل‌شادی از حاج‌علی‌محمودزاده (اصفهان)۶۷

اشعارمحفل‌شادی از حاج اصغر کلانی(اصفهان)۶۸

اشعارمحفل‌شادی از حاج‌آقارسول‌کاردانپور و حاج مهدی غزالی (اصفهان)۶۹

شب عروسی و جشن عقد و عروسی و دست زدن حاج علی حسن هرندی (اصفهانی) ۷۶-۷۰

اشعارمحفل‌شادی از حاج‌علی محمودزاده(کف‌زدن) (اصفهان)۷۷

اشعارازدواج‌حضرت‌علی(ع) وحضرت‌فاطمه الزهرا ۸۹-۷۸

اشعار حدیث کسا یک ۹۴-۹۰

اشعار حدیث کسا دو ۹۵

اشعار متفرقه ۹۷-۹۶

شعر لامپ اضافی ۹۸

عروسی حضرت علی (ع) و حضرت زهرا (س) دو ۱۰۰-۹۹

مجلس عروسی ۱۰۲-۱۰۱

گل اُمَده ۱۰۳

میلاد علی بن موسی الرضا۱۰۴

نصیحت به ازدواج ۱۰۶-۱۰۵

دین خدا و صاحبدلان ۱۰۷

ای دختر ایران زمین ۱۰۸

پیشنهاد به شرکت کنندگان۱۰۹

بمناسبت ولادت صدیقه کبری ۱۱۰

منفورترین حلال (طلاق) ۱۱۵–۱۱۱
علل و عوامل تاثیرگذار در طلاق ۱۲۲–۱۱۵
پنج مصاحبه آموزنده ۱۳۹–۱۲۲

مقدمه

بسم الله الرحمن الرحیم
در دنیای صنعتی فعلی که انسان و انسانیت را بدنبال خود کشیده و می‌رود تا کم کم او را محو تکنولوژی خود کرده و بجای استفاده صحیح از تکنولوژی روز، اکثراً آن را در راه منفی و تمنیات نفسانی و شیطانی بکار ببرند. بر موحدین لازم و واجب است از حریم اسلامیت که بالاتر از انسانیت است دفاع کرده و تا حدودی از قالب سختگیری و خُشکِ مقدس بودن خارج شوند و مجالس و محافل شادی را با سرودهای شرعی و اسلامی و جُک و لطیفه های حلال هم کیشان را بخندانند زیرا زمینه سرور برای مومن فراهم کردن عبادت است و تنها چیزی که انسان را از انواع استرس و فشارهای روحی و روانی نجات می‌دهد، مجلس انس داشتن است و ثابت شده است افرادی که لبخند به لب دارند و در شادی دیگران شادی می‌کنند از روان سالمتر برخوردارند و در زندگی موفق ترند.
لذا در این راستا به جمع آوری سرودهائی که توسط مداحان عزیز اهل البیت علیهم‌السلام که در مجالس مومنین خوانده می‌شود همت کرده و بجهت اینکه سُراینده شعرها بعضاً مُخَلَص ندارد بنام آن مداحی که آنرا خوانده است قلم زده می‌شود، باشد که برای سُراینده و خوانند و مستمعین جزای دارین منظور شود و آنان هم مورد عنایت ولیعصر ارواحنا له فداء قرار گیرند. زیرا با رواج این رویه از ترویج و اشاعه گناه و موسیقی جلوگیری کرده‌اند و رضایت صاحب الزمان را فراهم نموده اند.
هُوَ الرزاق

رومان محفل شادی

پس از سپری شدن نوجوانی و فارغ التحصیل شدن و گذراندن خدمت وظیفه بحمدا ...در شرکتی دولتی مشغول خدمت بوطنم شدم و خوشحال بودم که فعالیت روزمره‌ام بسود همه اقشار جامعه است، بیش از دو سال از سابقه‌ام در آن شرکت نگذشته بود که دوستان و آشنایان توصیه می‌کردند که چرا تشکیل خانواده نمی‌دهی؟ کی می‌خواهی همسر انتخاب کنی؟ و بعضاً حاضر به خدمت، وساطت خیر بودند. بنده که از خانواده متوسطی بودم و متکی به خود و خدای خود، می‌بایستی علاوه بر سرپناه، سواری و شغل دوم و سومی ... را هم برای خود، دست و پا می کردم! چون با هشت ساعت کار صادقانه و متعهدانه تامین زندگی برای دو نفر کافی نبود.
چون نصف درآمد ماهانه را بایستی برای اجاره آپارتمان یا منزل پرداخت می کردم و با نصف دیگر به سختی امرار معاش می شد. و برای رسیدن بخانه و وسیله و ... اگر مساعدت پدرم نباشد، شاید بیست سال طول بکشد. با کار کردن همسر آینده‌ام هم مخالف بودم و معتقد بودم امور داخل منزل بعهده خانم و امور خارج از منزل بعهده مرد است.
سالها از جنگ گذشته بود و دیگر از اعتقادات و صمیمیّت و تعاون و ایثار و یکرنگی چندان خبری نبود تصمیم به ازدواج داشتم، ولی ایرادهائیکه خانواده های عروس از دامادها می گرفتند اکثراً غیر شرعی و غیر اخلاقی بود. اگر چه مسئله سنخیت و هم شان بودن و هم کفو بودن را هم در نظر می گرفتم باز راجع به مادیت و صورت قباله‌های چند صد میلیونی و جا و مکان مستقل صحبت می‌شد. و بنده که مهریه‌ای را در توان خود می دانستم، که بایستی پرداخت نمایم و از امور ظاهر سازی و سمبلیک گریزان بودم از

تصمیم ازدواج منصرف شدم.

پس از گذشت یکسال، در راه قم و جمکران با جوانی از سربازان امام زمان علیه‌السلام آشنا شدم که در مصاحبت وی احساس سبک شدن کردم.

او می‌گفت اگر احساس می‌کنید نیاز به همسر دارید، چنانچه نیاز به رفع عطش و گرسنگی می‌شود، واجب است ازدواج کنید و در این راستا توکل و استمداد از خداوند متعال و چهارده معصوم کفایت می‌کند.

او می‌گفت اگر امری برای انسان واجب شد، مثل نماز، روزه ...، و ازدواج دیگر سختیهایش هم شیرین و لذت بخش است.

او می‌گفت اگر مجرد بمانید و خدای ناکرده اجل شما برسد، در حقیقت بقاء نسل خود را از دست داده‌اید.

او می‌گفت: کسی که ازدواج کند، شجاعت قبول مسئولیت اداره زندگی خود و دیگری را بعهده گرفته و با توکل بخدا جهت کثرت امت پیامبر قدم برداشته که در قیامت و روز محشر پیامبر خود را شاد کرده و به برادران پیامبر پیوسته است.

او میگفت: زندگی چندان سخت نیست، اگر بین زن و شوهر عشق و ایمان حاکم باشد و هر موضوعی که پیش آید از دستورات اسلام پیروی کنند و با کم و کاستی ها کنار بیاید که پس از هر سختی و صبوریت، آرامش و راحتی بدنبال خواهد بود.

او میگفت: سعی کن آنچه هستی در درون، ظاهرت هم همانگونه باشد که دوروئی از نشان منافقین است مگر اینکه با منافقی مواجه شوی.

او می‌گفت: دستورات اسلام برای آسایش بشر است نه محرومیت از شادی.

او میگفت: کسی که ازدواج کند به گفته پیامبر ((ص)) نصف دین خود را حفظ کرده و کافیست مراقبت در نگهداری نصف دیگرش کند تا بهشتی شود.

او می‌گفت: کسی که ازدواج کند هر رکعت نمازش هفتاد و دو رکعت ثواب دارد، حال اگر در جماعت شرکت کند کسی، جز خدا عظمت ثواب آنرا نمی‌داند.

او میگفت: کسی که بدون ازدواج بمیرد و از او عمل صالح یا صدقه جاریه‌ای باقی نباشد، دفتر عملش بسته می‌شود تا قیامت، ولی کسی که ازدواج کندو فرزاندان صالح و با ایمان یا صدقه جاریه ای ا ز خود بیادگار بگذارد، تا مادامیکه فرزندان عبادت و بندگی کنند و یا صدقه جاریه جریان داشته باشد، دفتر عمل آن شخص باز و خداوند به بانی و مجری، ثواب عنایت می‌فرماید.

او میگفت: اگر بخواهی زندگیت را آماده کنی بعداً، ازدواج کنی چند اشکال دارد اول اینکه اینکار از راه مشروع زمان می برد و ممکن است ده یا پانزده سال طول بکشد دوم اینکه زندگی مشترک را، طرفین باید کمک کنند تا هر دو برای پایداری بقاء و استمرار آن سهیم باشند. سوم، هر چیزی بهاری دارد لذا تا طراوت و نشاط و قدرت بدنی هست باید اقدام کنی که پس از حداکثر سی سالگی قوای بدن کم کم از حداکثر به حداقل خواهد رسید و در سرازیری عمر برای پرورش فرزندان خود، چندان حوصله و دل و دماغی وجود ندارد و مهمترین اثر ازدواج، ایجاد آرامش روحی، روانی دو نفر است.

او می‌گفت: متاسفانه واژه کفویت بَد تعبیر شده، چون کفو مرد مومن و مسلمان زن مومن و مسلمان است و اگر ارزشهای مادی را مد نظر بگیریم پس چگونه حضرت خدیجه که از ثروتمندان عرب آن زمان بودند با حضرت محمد ((ص)) که از مال دنیا چندان بهره ای نداشتند ازدواج کرده و در راستای هدف شوهر خود که تکلیف الهی بود همه ثروت خود را خرج کرد و درخت نو نهال اسلام را آبیاری نمود. بنابراین از معصوم شخصی می پرسد یابن‌رسول ا ...دخترم را به ازدواج چه کسی درآورم حضرت می فرمایند کسی که مومن و خداترس باشد. سوال می‌کند دیگر چه نشانه‌ای داشته باشد؟ حضرت می فرمایند دیگر هیچ زیرا اگر مومن باشد در ثروت و فقر به او اذیت نمی‌کند و بر آنچه خدای مقدرشان کرده رضایت دارند.

او میگفت: داماد آنچه در توانش هست و استطاعت انجام آنرا دارد باید صداق قرار دهد و از هم چشمی و مسابقات و رقابتهای

کاذبی که از عهـده داماد بر نیاید باید پرهیز نمود. زیرا مهریه، مهر نمی آورد بلکه تقوا و صداقت و ایثار و فداکاری در زندگی مهر و محبت ایجاد می کند.

او میگفت: داماد هم حق مداخله در توانائی پدرزن و خانواده خانمش ندارد واینکه میگویند هر چه مهریه قرار داده شد باید دو برابر آن جهیزیه تهیه شود هیچگونه سند شرعی و قانونی و اخلاقی ندارد.

به شهر قم نزدیک شدیم

او گفت: میدانید حضرت معصومه علیه‌السلام بدون شوهر از دار دنیا رفتند، من گفتم خیر، چرا؟

او گفت: مقام اَعلی و تقوایی ایشان آنقدر بالا بود که کسی خود را لایق ایشان نمی دید که به خواستگاری برود.

او گفت: ظلم است مرد یا زنی که دارای علم و تقوا و بینش جهانی است با مرد یا زنی زندگی کند که صحبتکردن روزمره خود را هم نیاموخته و سوهان روح طرف مقابل است و در این رابطه اگر مسلمانی به مسلمان دیگر خدعه یا حیله یا تقلب نماید از امت حضرت محمد ((ص)) خارج است. حضرت رسول اکرم فرمودند اگر به خواستگاری رفتید و موی سر خود را رنگ کرده اید باید مطرح کنید، چه برسد به بیماری و اعتیاد و چیزهای مخفی که اگر آشکار شود رضایت نیست و خدعه مسلمان در مقابل مسلمان حرام است.

سوال کردم منزلت عروس و داماد در خانواده طرفین از نظر اسلام چگونه است؟

اوگفت: داماد متدین و خوب حکم پسر خانواده را داردو عروس متدین و خوب حکم دختر خانواده. بنابراین والدین عروس و داماد حکم پدر و مادر دوم را دارند با این تفاوت که از آنها بوجود نیامده‌اند و معلم حکم پدر یا مادر سوم را مشروط بر اینکه شاگردانش را مانند بچه‌های خودش دوست بدارد و برای آنها آینده نگری کند و در جهت موفقیتشان سعی و راهنمائی نماید.

سوال کردم من از نظر اقتصادی در وضعیت خوبی نیستم و نمی‌خواهم با ازدواج باعث بدبختی چند نفر دیگر شوم، اسلام، امور اقتصادی را چگونه تامین می کند؟

او گفت: اولاً رزق هرکس بدست خداوند متعال است، چون می فرمائید هیچ جنبده ای نیست مگر اینکه برخداست که رزق او را تامین نماید، ولی باید حرکت کرد که جزء جنبده حساب شویم. (که گفته اند از تو حرکت از خدا برکت) ولی عواملی مانند نماز اول وقت و نماز شب خصوصاً، خواندن نوافل در وسعت روزی اثر دارد که کتابی از بنده بچاپ رسیده بنام خلاصه المکاسب (تبعات حرام‌خواری و حق‌الناس) که جوابهای اقتصادی جوانان در ۱۱۰ شغل توضیح داده شده است.

رئیس کاروان گنبد مطهر حضرت معصومه علیها سلام را مشاهده کرد و اعلان صلوات نمود و دعای اذن دخول حضرت معصومه را قرائت کرد، چند دقیقه بعد در صحن و حرم آن حضرت بودیم و پس از ساعتی زیارت و دعا و نماز عازم مسجد جمکران (مسجد صاحب الزمان علیه‌السلام) شدیم.

موقع سوار شدن همه بیکدیگر زیارتتان قبول می گفتند و جَوّی روحانی و امام زمانی در اتوبوس حاکم بود چشم ها در اشتیاق رسیدن به مسجد صاحب الزمان پر از اشک شده بود و با خواندن دعای فرج و استغاثه مولا، صاحب خود را واسطه فیض خداوند متعال کرده یابن‌الحسن یا بن‌الحسن‌ها تا درب ورودی ادامه داشت.

برای ورود به مسجد جمکران توصیه شده، با وضو وارد شوید و اگر احتیاج به تجدید وضو بود امکانات فراهم بود.

در ورود به شبستان همه در حال نماز و راز و نیاز با خدای متعال بودند و به آنچه پیامبر ختمی مرتبت آنرا نور چشم خود خوانده و امام صادق (علیه‌السلام) فرموده‌اند هر کس آنرا کوچک بشمارد از ما نیست عمل می شد.

باد خشم و باد شهوت باد آز

آدمی را باز می دارد از نماز

از طرف دیگر نماز، معراج افراد متقی است. اگر چه نمازهای مستحبی بصورت فُرادا خوانده میشد. ولی با نزدیک شدن وقت نماز مغرب و اذان، نماز جماعتِ با عظمتی برپا شد. پس از صرف شام دعای توسل با شور و حال خاصی خوانده شد و در هر فراز از معصومین توضیحات عرفانی داده می‌شد.

با خواندن نوافل شب سوار بر اتوبوس شدیم و بطرف اصفهان برگشتیم و دعای ناد علیاً مظهر عجایب خوانده شد بنده و همسفرم احساس خوبی داشتیم و خواب بچشمانمان نمی‌آمد.

او گفت: قبول باشد، انشاءا ...حاجاتتان برآورده شده است و آنچه مشروع و به صلاحتان است برآورده شود.

سوال کردم؟ اقتصادِ اسلام چگونه حل شده و شروع زندگی بدون وام و قرض امکان ندارد و بعضی از قروض هم تا آخر عمر باقی می‌ماند که ورثه بایستی آنرا پرداخت کنند.

اوگفت: در اسلام انسان مکلف به تکلیف است، یعنی آنچه دستور داده شده از حرام و حلال واجب و مستحب و مکروه و مباح در جای خودش بایستی رعایت شود و این امر و نهی و غیره در حکم تابلوهای هشیار دهنده راهنمایی و رانندگی است، که با رعایت آن راننده و سرنشین ها سالم به مقصد خواهند رسید. لذا با رعایت موازین شرعی، دنیا و آخرت انسان تأمین خواهد شد.

در ضمن قانون اسلام برای کسی که زندگی مشروعی داشته و موقع فوت دارای وام و قرض هست این است که حکومت بدهی آن را بپردازد.

او گفت: حالا که از مسجد صاحب الزمان برمی گردید، بدانید هفته‌ای دو روز اعمال ما شیعیان بحضور صاحبمان حضرت ولیعصر ارواحنا فداء عرضه میشود، سعی کنید ایشان را خرسند و مسرور و راضی نگهدارید نه اینکه باعث ناراحتی و غصه خوردن ایشان شویم.

با توضیحاتی که ایشان می داد با ایشان خیلی صمیمی شدم و از ایشان خواستم اگر مزاحم خوابش هستم در اصفهان جایی وعده کنیم و بقیه سوألاتم را بگیرم ایشان هم قبول کرد وعصر پنج‌شنبه در مسجد جامع اصفهان قرار گذاشتیم.

از چهارشنبه تا عصر پنج‌شنبه لحظه شماری می کردم تا وعده موعود رسید. قرار ما در شبستان مسجد پای منبر بود، موقع ورودم او را در حال خواندن نماز یافتم و پس از احوال پرسی و عذرخواهی که مزاحم عبادت ایشان شدم.

او گفت: ابداً جای عذرخواهی نیست و بنده آنچه به شما جواب دهم ثوابش از نماز مستحبی بالاتر است.

سوال کردم؟ بنده تصمیم گرفته ام ازدواج کنم ولی نسبت به سن همسرم که چند سال داشته باشد و تفاوت سن ما چگونه باشد توجیه نیستم.

اوگفت: ازدواج پیوند دو انسان است که اجزای اصلی آن زن و مرد است و هر قدر بین اجزاء هماهنگی، تناسب و سنخیت بیشتر باشد، آن پیوند استوارتر، مستحکم تر، پرثمرتر و لذت بخش تر خواهد بود. علم و تجربه گویای آنست که علت اساسی بیشتر ناهنجاریها و ناسازگاریهای زندگی زناشویی، ناهماهنگی بین زن و شوهر است.

بنابراین شناخت اموریکه موجب هماهنگی و تناسب بین زوجین می‌شود، ضروریست، به هیچ وجه نباید این مسئله را ببعد از ازدواج موکول کرد، پیامبر اسلام ((ص)) می فرمایند با همسان و هم شان خود ازدواج کنید.

ونیز می فرمایند، زن را محترم نمی دارد مگر مرد کریم و او را خوار نمی شمارد مگر شخص لئیم.

اسلام معیار هماهنگی در سن را بعقل و معرفت و علم سپرده است. اگر فرد به تجارب فراوان و واقعیتهای موجود در جامعه و استدلالهای علمی در این مسئله نظر کند، براحتی پی خواهد برد که همسر دلنشین و مورد پسند، همسری خواهد بود که دارای تناسب سنی باشد. البته اگر تمام زمینه ها بررسی شده باشد و مشکل خاصی دیده نشود، می توان فاصله سنی را بدیده اغماض نگریست ولی در عین حال بهترین و مناسبترین فاصله سنی ۳ تا ۴ سال است. طبیعی است اگر سایر شرایط، مناسب نباشد، ازدواج

نمی‌تواند موفق باشد.

وجود فاصله سنی زیاد موجب میشود که زن و شوهر نتوانند بخوبی یکدیگر را درک کنند، فردی با داشتن ۲۰ سال سن بیشتر، طبیعی است که می‌تواند از تجارب بیشتری برخوردار باشد یا لااقل میتواند چنین احساسی داشته باشد.

این مسئله زمینه‌ای را فراهم میکند که شخصی ارزش لازم را به نظرات فرد کوچکتر ندهد.

وقتی فاصله سنی بین زن و شوهر زیاد باشد، هر یک در دوره ای از زندگانی به سر می برند که به لحاظ قوت و توانایی با همسر خود تفاوتهای عمده دارند.

مثلاً زنیکه ۱۷ سال دارد، در دوران جوانی بسر می برد و همسر او که در سن ۳۵ سالگی است، به مرز میانسالی نزدیک شده است. یکی غالباً فعال است و دیگری زودتر خسته می‌شود و در اوقاتی منفعل است گاه این خستگی از طرف همسر جوان بخوبی تجزیه و تحلیل نمی شود و به حساب کم کاری گذاشته می‌شود. یا بعنوان شانه خالی کردن از زیر بار مسئولیت مطرح می‌شود. در نتیجه محیط این خانه تبدیل به فضایی ناامن و غیر قابل تحمل می‌شود.

وقتی دو جوان با یکدیگر زندگی می کنند، بدلیل جوانی، انعطاف پذیری بیشتری دارند، حال آنکه با افزایش سن، انعطاف آدمی کاهش می یابد و همین مسئله در زندگی مشترک معضل آفرین است.

گاهی وجود فاصله های سنی زیاد باعث می‌شود زوجین سوءظن‌هایی نسبت بهم پیدا می‌کنند و ممکن است حتی نتوانند دلایلی هم برای این گونه افکار ارائه دهند.

همچنین در چنین خانواده‌هایی، فرد بزرگتر بدلیل داشتن تجربه، خود را ملزم می‌داند، مدام به همسر خود امر و نهی کند و امر و نهی بیش از حد همیشه مبتنی بر حق نیست، بلکه سلیقه نیز در آن سخت مداخله می کند، فردبزرگتر احساس می کند باید فرد کوچکتر را تربیت کند، حال آنکه او انتظار دارد با همسرش زندگی کند نه اینکه همسر وی نقش پدر ومادر او را بعهده گیرد.

یکی از موارد دیگر که در این خانواده‌ها دیده می‌شود، این است که فرد کوچکتر دچار نوعی کمرویی رنج آور است و نمیتواند براحتی مشکلات خود را با همسرش در میان بگذارد، اگر فرد کوچکتر دردها را بازگو نکند، آنها روی هم انباشته شده و او را افسرده و بعضاً مبتلا به سرطان می کند. در حالیکه این حس که او همسری دارد که به درد دلهای او گوش می‌دهد، به او احساس آرامش می‌دهد.

در مورد ثروت، تحصیلات، زیبایی، شغل و مقام و خانواده طرفین در مورد فوق صادق است و آنچه بنده تجربه کرده‌ام از اول تکلیف پسر و دختر آنچه انجام می‌دهند (از قید و بند شرعی) موقع ازدواج موثر است و در طول عمر آنچه انجام شده است در وضعیت مرگ انسان و بعد از آن موثر است.

در آن موقع دفتری را باز نمودو اوصاف زن از قول ائمه اطهار علیهم‌السلام و جمعی از نویسندگان را بترتیب زیر بر شمرد.

۱–زن نیک، عاقبت زن زندگانی است.

۲–زن بلا است ولی هیچ خانه‌ای بی این بلا نباشد، که یا صوت و کور است یا انباری.

۳–زن اگر خوب تربیت شود از مرد بی‌تربیت بهتر است و اگر تعلیم و تربیت نشود ناقص‌العقل است.

۴–زن خوب با چادر به خانه شوهر می‌آید و با کفن می‌رود.

۵–زن بد، بدتر بُوَد از مار بَد.

۶–زن بد، از کفش تنگ هم بدتر است.

۷–زن نازا را بکشی نازاست.

۸–زنیکه جهاز ندارد این همه ناز ندارد. (بعضی از خانم‌ها تحصیلات و کمالاتی دارند که به جهازیه فراوان می‌چربد)

۹-زن نجیب گرفتن مشکل است، ولی نگاهداریش آسان است.

۱۰-حکم زن رواست تا جائیکه مخالف شرع نباشد.

۱۱-خدا یکی، خانه یکی، یار یکی، زن یکی (مرد دو زنه دم خوش نمی زند).

۱۲-زن صندوقچه و ناموس مرد است.

۱۳-زن را در جوانی بگیر و جگر را گرم بخور.

۱۴-زن زشت درد دل است و زن زیبا در سر.

۱۵-یک مادر خوب به صد آموزگار مدرسه می‌ارزد.

۱۶-هر وقت دلت خواست پسرت را زن بده، ولی همینکه فرصت کردی و داماد متدینی یافتی دخترت را شوهر بده.

۱۷-اگر می خواهید همه دنیا از رازی با خبر شوند، آن راز را به زنی بگوئید که تقوا ندارد.

۱۸-زن و شیشه هرگز از خطر در امان نیستند.

۱۹-زن عاقل با شوهر بی پول خود می سازد و برای مال دنیا او را به حرام نمی اندازد.

۲۰-زن عاقل خواسته شوهرش را هر چند مشکل باشد می پذیرد مگر خلاف شرع باشد.

۲۱-بهتر است زن کور باشد تا بسیار زیبا چون چشم‌های ناپاک او را می نگرند.

۲۲-زیر چادر، همه زنها زیبا هستند، (همچون گوهری در صدف)

۲۳-کسیکه زن خوب بدست آورد، بزرگترین سرمایه را پیدا کرده است.

۲۴-همیشه نصیحت اول را از زن بگیرید.

۲۵-زنت را چون دوست بدان، ولی با ترس بلرزان

۲۶-هر مردی پسر زنی است.

۲۷-جهنم پر از زنان شلخته است (زنان بی‌تقوا)

۲۸-زن را طلا و ثروت گول می‌زند و مرد را زن.

۲۹-زنهای زشت روی، همیشه در عشق صمیمی هستند.

۳۰-یک تار موی زن می‌تواند، یک فیل را بدنبال خود بکشد.

۳۱-ای زن، اگر طلاق میخواهی به مادرشوهرت سلام نکن (یا حرف شوهرت را مشنو)

۳۲-زن حسود، خانه را آتش می‌زند (حسود هرگز نیاسود)

۳۳-زن را نزنید حتی با یک شاخه گل (اما اگر لازم شد حدود الهی باید جاری شود)

۳۴-شوهر سر زن است و زن کلید شوهر (شوهر کلید است و زن قفل است)

۳۵-با زنت مشورت کن (اگر از نظر عقل و شرع درست می گوید عمل کن در غیر اینصورت بعکس آن عمل کن)

۳۶-مردان بسیار زیبا همیشه با زنان متوسط و زشت ازدواج می کنند.

۳۷-یا زن نگیر یا اگر گرفتی آقای بالای سرش باش.

۳۸-پسریکه زیاد حرف مادرش را می‌شنود، چه بهتر زن نگیرد.

۳۹-زندگی بدون زن، زندگی نیست، لولیدگی است.

۴۰-نگاه زن دلرُباتر از خورشید است.

۴۱-زندگی ما زنجیری است که یکسرش بگردن زن است.

۴۲-مادر، سازنده‌ی جهان است.

۴۳-زن، بهترین داروی غم هاست.

۴۴-اگر همسر خوبی پیدا کردی، بدانکه صاحب ثروتی گرانبها هستی.

۴۵-بهترین زینت زن، خلق خوش و تندرستی و منطقی بودن آنست.

۴۶-مایه گرفتاریها احتیاج است و از همه دشوارتر احتیاج زن بمرد و مرد به زن است.

۴۷-زن بر هر کار قادر است. (اگر بخواهد انجامش می‌دهد)

۴۸-عاطفه و محبت زن آنقدر زیاد است که مرد قدرت تصور آنرا ندارد.

۴۹-زن، تو فرشته ای، ولی آزاد نیستی، زیرا تو بالاتر از فرشته‌ای.

۵۰-خانه، بی زن، چون گورستان است.

۵۱-مردها کارهای مهم ایجاد می‌کنند و زنها مردان را تهیه می‌کنند.

۵۲-عقل کودک از نهاد مادر است

مادر دانا بسان گوهر است.

آنچه مادر می‌دهد، شرح و بیان

نقش گردد بر ضمیر کودکان

۵۳- اسراری که بمردها گفته می‌شود از یک گوش وارد و از گوش دیگر خارج می‌شود، ولی اسراریکه بزنها گفته می‌شود از هر دوگوش وارد و از دهان آنها خارج می‌شود.

۵۴-زیباترین و دلچسب ترین هدیه خداوند به انسان، زن است.

۵۵-شوهر باید مغز خانه باشد و زن قلب آن.

۵۶-زن شلخته زنی است که شوهرش یک حرف را چندین بار به او تذکر دهد ولی او همچنان بی توجه است و زن خوب و فهمیده با یک مرتبه شنیدن حرف ثواب و منطقی به آن عمل می‌کند.

۵۷-دختران پاکدامن، ستارگان روی زمین اند.

۵۸-زن ناموس طبیعت است.

۵۹-زنان را محترم دارید، ایشان گلهای آسمانی را در حیات زمین میکارند و رشته خوشرنگ عشق را می‌بافند.

۶۰-زن، هدیه آسمانهاست.

۶۱-زن گردن بند مرد است، دقت کن چه چیزی را بر گردن خود می‌آویزی (جواهر یا خرمهره) (علی علیه‌السلام)

۶۲-سعادت در سه چیزاست، زن خوب، اسب خوب، خانه خوب.

۶۳-شمشر را با آب، طلا را به رنگ، و زن، را بعفت باید شناخت.

۶۴-مرد، درهرمرحله زندگی‌قوی‌است، جز دربرابر زن.

۶۵-زنان را دوست بدارید حتی خیلی (اگر با تقواست) و هنگامیکه با آنان روبرو می‌شوید از آنان وداع کنید و چون باد، درگذرید. (اگر بی‌تقوایند)

۶۶-زن، زیباترین و عزیزترین موجودات است.

۶۷-من مادر خوب را شاهکار خلقت می دانم.

۶۸-با زنها همیشه از زیبایی آنها صحبت کنید، اگر زیبا نبودند از زشتی زنهای دیگر با ایشان سخن بگوئید. (بطوریکه غیبت کسی

را نکنید)

۶۹-زن کتابی است که خدای متعال در درست کردن جلد آن، هنرنمائی بسیار بخرج داده و مرد مقدمه آنرا نوشت.

۷۰-در زنان بوسه بیش از دلیل و برهان موثر است.

۷۱-بهشت زیر پای مادران است.

۷۲-کسی می‌تواند ادعا کند زنی را دوست دارد که بتواند آن زن را خوشبخت کند (او را بهشتی کند)

۷۳-زنان شمع و چراغ خانه‌ها هستند.

۷۴-هر که با اهل و عیال خود نیکی کند، خدای تعالی او را رزقی عظیم و حلال عطا فرماید.

۷۵-زن با دستی گهواره کودک و با دست دیگر دنیا را تکان می‌دهد.

۷۶-قوت بدنی زن نصف قوت مرد است ولی دقتش دو برابر است.

۷۷-براستی دستی که گهواره را می‌جنباند، دستی است که بر جهان حکومت می کند.

۷۸-حرف زن، بُرَنده‌تر از قانون است و اشکهای او از هر دلیل و برهانی قاطع‌تر است.

۷۹-حیله آخری زنها گریه است. (مردان عاقل به گریه زنان اعتنایی ندارند)

۸۰-زنان، بما ادب و حشمت و کرامت فراوان می‌دهند.

۸۱-زن، شلاقی است که سرکش ترین مردها را رام میکند.

۸۲-زندگی بدون زن، در نظر من گلستانی، بدون گل و عطری بدون بو و خواب راحتی، بدون رویای خوش است.

۸۳-هر زن عفیفی زیبا و دلپسند است. اگر چه چندان زیبا نباشد، چون زیبایی سِیْرَتْ را داراست.

زن‌چه‌خوب‌است‌دلرباوظریف

خانمی‌خانه دار و شوهر دوست

هر زنی احترام شوهر، داشت

زن نیکو، زن قوی روح است

زن اگر باسواد شد، خوبست

زانکه‌در تحصیل‌علم‌واجب گشت

مهر سنگین مگیر، بهر زنان

پی دارایی زنان نروی

زن با مکنت ار نصیب توگشت

زن‌چه‌خوب‌است با حیا و عفیف

که کند اهتمام در امر تنظیف

او بُوَد، خانمی نجیب و شریف

دورشو از زن ذلیل و ضعیف

کسی ز نادان نمی کند، تعریف

بهر زن طبق حکم دین حنیف

فتح کن، گر نمی دهد تخفیف

که طمع را خدای خوانده کثیف

کار سخت‌است‌وخارج‌از‌توصیف

خلاصه مطلب اینکه کسی در ازدواج موفق است که عقل و شرع را مقدم بدارد بر هوای نفس و آرزوهای زودگذر تا در دنیا و آخرت زوجین موفق و کامیاب گردند.

با نزدیک شدن اذان مغرب، شبستان از جمعیت پر شد و دقایقی بعد نماز جماعت برگزار گردید، سرباز امام زمان در مجلسی دعوت داشت که با گرفتن تلفن تماس با ایشان خداحافظی کردم.

آنشب تا پاسی از شب بیدار بودم و چشم به ستارگان دوخته بودم و فکر می کردم. آیا اقدام به ازدواج کنم؟ از کجا شروع کنم؟ خودم اقدام کنم یا به مادرم بگویم؟ هزینه آنها چطور می‌شود؟ صبح روز بعد پس از صرف صبحانه با سرباز صاحب‌الزمان تماس گرفتم و سوالات فوق را مطرح نمودم. ایشان گفت اگر احساس تکلیف در ازدواج دارید باید آنرا با خانواده خود مطرح کنید و در این راستا بهتر است قبلًا از گناهان گذشته اگر چه یک نگاه حرام بوده توبه کنید و از خداوند متعال استمداد نمائید و ائمه اطهار را واسطه قرار دهید، بقیه مسائل خودبخود حل می‌شود و از راهها و مکانهایی که تصور آنرا ندارید بشما، در این امر کمک خواهد رسید.

به توصیه های ایشان عمل کردم و پس از چند هفته تحقیق و بررسی از طرف خانواده ام با خانواده‌ای متدین آشنا شدیم، پدر دختر در مورد صداق گفت آنچه توانایی پرداخت دارید و یا بمدت بیست سال و به مرور مهریه را قرار دهید و بیشتر نظر ایشان حفظ ایمان و صداقت و تفاهم و کمک بیکدیگر در شکل‌گیری زندگی نوین را کافی می‌دانست. و از چشم و هم‌چشمی و رقابتهای غیرشرعی و اینکه انسانها باید آنچه هستند باشند نه آنچه نیستند، و از بدو تکلیف آنچه هستند را قبول کنند.

وی مخالف تشریفات و خرجهای کزائی بود و میگفت بعضی از هزینه‌ها را اگر صرفه‌جویی کنیم، می توانیم دو یا سه عروس را بخانه بخت بفرستیم. پس از تفاهمات مهریه، زمان جاری کردن عقد تعیین شد و دقت پدر عروس در این بود که اول ماه و پانزدهم ماه و آخر ماههای قمری نباشد (چون ایشان در طول سال این سه روز را روزه می‌داشتند) و تاکید داشتند مصادف با یکی از اعیاد اسلامی یا ولادت چهارده معصوم باشد.

که بحمدا ...در روز عید غدیرخم که افضل اعیاد است و بعضاً آنرا بالاتر از عید مبعث می‌دانند قرارداده شد.

قبل از اذان مغرب و نزدیک غروب خطبه عقدجاری شد و پس از سلام و صلوات بر چهارده معصوم به توصیه پدر عروس، پدر داماد اذان گفت و در اول وقت نماز مغرب و عشا به امامت اولاد پیامبر خوانده شد و پس از تسبیحات حضرت زهرا دعای فرج برای ظهور حضرت مهدی ارواحنا فداء

از آن ببعد مجلس تبدیل به مجلس جشن ولایت مولایمان امیرالمومنین علیه‌السلام گردید ود ر این رابطه مداحان اهل‌البیت مجلس را اداره میکردند و خانواده عروس از خانواده داماد با اطعمه و اشربه پذیرایی کامل بعمل آورند.

روز بعد، هدیه‌هائیکه از خانواده طرفین رسیده بود بحمدا ...هزینه خرید یک اتومبیل را فراهم آورد.

و ظرف مدت ۶ ماه محل زندگی آینده و هزینه جشن عروسی فراهم شد و در نیمه شعبان، سالگرد ولادت منجی بشریت و مصلح جهانی جشن عروسی برقرار شد وآیه ان یکونوالافقرا (... اگر از فقر می‌ترسید ما شما را از فضل خودمان بهره‌مند می گردانیم) تحقق یافت (الحمدا). ...

در مجلس عروسی از غنی و فقیر دعوت بعمل آمده شده بود و ملاک دعوت تقوا و ولایت اهل البیت بود.

با خواندن چند آیه از سوره الرحمان که عروس قرآن است شخص استاد به ترجمه و تفسیر آیات پرداخت و با تذکر نعمتهای پروردگار که بر جن و انس نازل شده است و شمس و قمر را به آقا امیرالمومنین و فاطمه زهرا علیها سلام اطلاق شده و با ۳۱ مرتبه تکرار اینکه کدام یک از نعمتهای پروردگارتان را می‌توانید تکذیب کنید، نعمت ولایت را تشریح کردند که از حوصله این مقاله

خارج است. (مدت زمان ۳۰ دقیقه)

پس از آن مداحان اهل‌البیت درمدح آقا صاحب الزمان شعرها و سرودهای فردی و دسته جمعی خواندند که ۵/۱ ساعت بطول انجامید.در پایان مجلس از آقائی دعوت شده بود که جُکهای شرعی و اینکه غیبت و تهمتی زده نشد بمدت ۵/۰ ساعت مجلس را اداره کرد که چندتائی از آنها چنین بود.

روزی آقا امیرالمومنین و آقا حضرت محمد ((ص)) با یکدیگر مشغول خوردن خرما بودند، آقا حضرت رسول ((ص)) هسته خرماها را جلوی آقا امیرالمومنین می‌گذاشتند و در پایان هسته خرماهای جلوی آقا امیرالمومنین بیشتر از هسته خرماهای جلوی آقا رسولا ...بود که آقا حضرت رسول به امیرالمومنین فرمودند شما بیشتر خرما خورده‌اید؟ آقا امیرالمومنین فرمودند خیر شما خرماها را با هسته خورده‌اید لذا معلوم نیست.

روزی آقا حضرت رسول اکرم بالای منبر بودند و جمعیت پای منبر، حضرت فرمودند هر که گفت پای راست من مثل چیست هر کس چیزی گفت ولی آخرالامر آقا رسول اکرم فرمودند پای راستم مثل پای چپم است. و چندین چیست آنکه ... و مجلس بپایان رسید و پس از صرف شام با خداحافظی مهمانان با تقدیم هدایای خود به منزلشان رفتند و هیچگونه سر و صدا و جنجال و بوق و اذیت و مزاحمت ایجاد نشد و با سلام و صلوات تعدادی از افراد درجه یک خانواده، عروس و داماد را بدرقه محل سکونتشان کردند.

آقا امیرالمومنین به پیامبر فرمودند، یا رسولا ...من چند چیز دارم که شما ندارید.

حضرت رسول اکرم ((ص)) پرسیدند آنها چیست؟ علی(ع) عرضه داشتند، من پدر زنی همچون شما دارم که شما ندارید (پدرزن شما ابوبکر و عمرند) من همسری چون فاطمه دارم و شما عایشه را دارید ومن ضربت شمشیر در جنگ خندق (احزاب) که ثواب آن افضل از عبادات ثقلین است (چون تمام کفر در مقابل تمام اسلام ایستاده بود).

در این قسمت به چهل‌حدیث از معصومین‌علیهم السلام در امر ازدواج به نظر خوانندگان عزیز می‌رسانم.

حدیث اول:

قال رسولا ...علیه‌السلام

اذا تزوج الرَّجُلُ اَحوَزَ نِصفَ دینه.

پیامبر اکرم ((ص)) فرمودند: کسی که ازدواج کند، نصف دینش را حفظ کرده است.

(مستدرک الوسائل ج ۱۴ ص ۱۵۴)

حدیث دوم:

قالَ النبی علیه‌السلام:

یُفتحَ اَبْوابُ السَّماء بالرَّحمةِ فی اَربَع مَواضِعَ: عِندَ نزول المَطَرِ، وَ عِندَ نَظَرِ اَلوَلَدِ فی وَجهِ اَلوالِدَین وَ عِندَ فَتحِ بابِ الکَعبَةِ، وَ عِندَ النّکاح.

پیامبر اکرم ((ص)) فرمودند:

درهای رحمت آسمانی در چهار وقت گشوده می‌شود، ۱- موقع بارش باران ۲- زمانیکه فرزند به چهره پدر و مادرش با مهربانی می‌نگرد. ۳- هنگام باز شدن درب کعبه ۴- هنگام برپایی مراسم عقد و عروسی

بحار الانوار ج ۱۰۳ ص ۲۲۱

حدیث سوم:

قال رسول الله (صلی الله علیه و آله)
اَکثرُ اَهلِ النّارِ العُزّابُ.
پیامبر اکرم ((ص)) فرمودند: بیشترین اهل جهنم انسانهای بی همسر هستند.
من لایخصره الفقیه ج ۳ ص ۲۵۱

حدیث چهارم:

عَنِ النبی ((ص))، مَن تَزَوَّجَ اِمرَأهً لِمالِها و کَلَهُ اللهُ اِلَیهِ، وَ مَن تَزَوَّجَها لِجمالِها رأی فیها ما یکرَهُ، وَ مَن تَزَوَّجَها لِدنیا جَمَعَ اللهُ لَهُ ذلِکَ
از پیـامبر اکرم ((ص)) فرمودنـد: هر که بـا زنی به خـاطر مالش ازدواج کنـد، خداونـد او را به مال وی واگذارمیکنـد، و هر که با او بخـاطر جمـال و زیبـایی‌اش ازدواج نمایـد، در او چیزیرا که خوشاینـد او نیست، خواهـد دیـد، و هر که با وی به خاطر دینش ازدواج کند، خداوند تمامی این مزایا را برای او جمع می کند.
وسائل الشیعه ج۱۴ ص ۳۱

حدیث پنجم:

قال النبی علیه‌السلام: اِذا جائکُمُ الاَکفاء فانِکحُوهُنَّ وَ لاتَرَبَّصوا بِهِنَّ اَلحِدثان.
پیامبر خـدا ((ص)) فرمودنـد: وقتیکه اشـخاص هم شان به خواسـتگاری دختران شـما آمدند، به آنها دختر دهید و در کار آنها منتظر حوادث نباشید.
نهج الفصاحه ص ۳۷ ج ۱۹۳

حدیث ششم:

قالَ رَسولُ الله ((ص)): ما استفادَ امرُءٌ فائِدَهً بَعدَ الاِسلامِ اَفضَلَ مِن زَوجَهٍ مُسلِمَهٍ تَسرُّهُ اذا نَظَرَ اِلَیها، تُطیعُهُ اذا أمَرَها و تَحفَظُهُ إذا غابَ عَنها فی نَفسِها وَ مالِهِ.
پیامبر اکرم ((ص)) فرمودند:
پس از اسـلام، هیـچ نعمتی برای مرد بهتر از زن مسـلمان نیست که هرگـاه به او بنگرد، مسـرورش کنـد و هرگـاه به او فرمـان دهـد، استطاعتش نمایدو در غیاب او حافظ ناموس و مالش باشد.
من لا بحضره الفقیه ج ۳، ص ۲۵۵

حدیث هفتم:

عَنِ النبی ((ص)): ایاکُم وَ خَضراء الدَّمَن، قیلَ: یا رسولَ الله وَ ما خَضراءُ الدَّمَن؟
قال: اَلمرأهُ اَلحُسناءُ فی مَنبِتِ اسوءِ.
از پیامبر اکرم ((ص)): بپرهیزیـد از سبزههایی که در مزبله می‌رویـد. عرض شد: یا رسول الله! سبزههائیکه در مزبله می‌روید چیست؟
حضرت فزمودند: زن زیبایی که در خانواده پست و ناشایست بوجود آمده باشد.

من لایحضره الفقیه ج ۳ ص ۲۵۱

حدیث هشتم:

قال رسول‌الله ((ص)): تَزَوَّجُوا اَلاَبطارَ فَاِنَّهُنَّ اعذَبُ أفواهاً وَ أرتَقُ أرحاماً و أسرَعُ تَعَلُّماً وَ أثبَتُ للمَوَدَّةِ.

پیامبر اکرم ((ص)) فرمودند: با دختران باکره ازدواج کنید، زیرا که دهان آنان شیرین و رَحَمِشان مناسبتر است و زود چیزی را یاد می گیرند و محبتشان پایدارتر است.

بحارالانوار ج ۱۰۳ ص ۲۳۷

حدیث نهم:

قال رسول الله ((ص)): اِنَّ مِن یُمنِ اَلمَرأةِ تَیسیرَ خِطبَتِها.

پیامبر اکرم ((ص)) فرمودند: از نشانه های برکت زن آن است که خواستگاریش بی تکلف و آسان انجام گیرد.

کنزالعمال ج ۱۶ ص ۳۲۲

حدیث دهم:

قال النبی ((ص)): لایَخطُب اَحَدُکُم عَلی خِطبَةِ اَخیه.

پیامبر اکرم ((ص)) فرمودند: هیچ یک از شما زنی را که دیگری خواستگاری می‌کند، خواستگاری نکند (تا اینکه با او ازدواج کند و یا اینکه منصرف شود، اگر منصرف شد، خواستگاریش بلامانع است)

صحیح مسلم ج ۲ ص ۳۴

حدیث یازدهم:

قال رسول الله ((ص)): شارِبُ الخَمرِ لایُزَوَّجُ اِذا خَطَب.

پیامبر اکرم ((ص)) فرمودند شرابخوار اگر تقاضای ازدواج کرد قبول نکنید.

وسایل الشیعه ج ۲۰ ص ۷۹

حدیث دوازدهم:

قال النبی ((ص)): لا ولیمةَ اِلّا فی خمس: عِرسٍ اَو خُرسٍ اَو عِذارٍ اَو وِکارٍ اَو رِکازٍ.

پیامبر اکرم ((ص)) فرمودند: سور و ولیمه در پنج مورد است.

۱- عروسی ۲- تولداولاد ۳- ختنه‌کردن‌نوزاد ۴- خرید خانه ۵- بازگشت از سفر مکه

من لایحضر الفقیه ج ۳ ص ۲۶۳

حدیث سیزدهم:

قال رسول الله علیه‌السلام: اِنَّ مِن سُنَنِ المُرسَلین اِلاطعامَ عِندَ التَّزویج.

پیامبر اکرم فرمودند: سور دادن و اطعام در ازدواج، از سنت پیامبران است.

فروع کافی ج ۵ ص ۳۶۷

حدیث چهاردهم:

قال رسول الله ((ص)): اَفضَل نِساءاُمَّتی اَصبَحُهُنَّ وَجهاً و اَقَلُّهُنَّ مَهراً

پیامبر اکرم ((ص)) فرمودند: بهترین زنان امت من، زنانی هستند که خوشروتر ومهریه ایشان کمتر باشد.

من لا یحضر الفقیه ج ۳ ص ۲۵۲

حدیث پانزدهم:

قال رسول الله ((ص)): لَو اَنَّ جمیعَ ما فِی الارضِ مِن ذَهَبَ وَ فِضَّه حَمَلَتهُ المَرأۀُ اِلی بَیتِ زَوجِها ثُمَّ ضَرَبَت عَلی رأسِ زَوجِها یوماً مِنَ الاَیّام، تقولُ: مَن اَنتَ؟ اِنَّما المالُ مالی، حبِطَ عَمَلُها وَ لَوکانت مِن اَعبَدِ النّاسِ اِلّا اَن تتوبَ وَ ترجَع و تعتذِرَ اِلی زَوجِها.

پیامبر اکرم ((ص)) فرمودند: اگر تمام چیزهاییکه روی زمین از طلا و نقره وجود دارد، زَن آنها را به خانه شوهرش بیاورد. آنگاه یک روز از روزها بر سر شوهرش منت بگذارد و بگوید تو کیستی؟ این اموال مال من است. در این صورت اجر و عمل زن از بین می‌رود اگرچه از عابدترین مردم باشد. مگر اینکه توبه کند و برگردد و از شوهرش عذرخواهی کند.

مکارم اخلاق باب ۸ ص ۲۰۲

حدیث شانزدهم:

حدیث شانزدهم:

قال رسول الله (ص): لا سَهَرَ اِلّا فی ثَلاثٍ، مُتَهَجِّدٍ بِالقُرانِ، اَو فی طَلَبِ العِلمِ، اَو عَرُوسٍ تُهدی اِلی زَوجِها.

پیامبر اکرم ((ص)) فرمودند: شب بیداری روا نیست، مگر در سه مورد:

۱- تلاوت قرآن، ۲- تحصیل علم. ۳- بردن عروس به خانه داماد.

وسایل الشیعه ج ۲ ص ۹۲

اَمَرَ النبی ((ص)): بَناتِ عَبدِالمُطَّلب وَ نِساءَ اَلمُهاجِرینَ وَ الاَنصارِ: اَن یَمضینَ فی صُحبَۀِ فاطمه علیها سلام وَ اَن یَفرَحنَ وَ یَرجُزنَ وَ یُکَبِّرنَ وَ یَحمَدنَ وَ لایَقُلنَ مالا یَرضی الله.

پیامبر اکرم ((ص)) فرمودند: دختران عبدالمطلب و زنان مهاجروانصار در شب‌عروسی حضرت‌فاطمه‌علیهاسلام بهمراه او بروند و شادی کنندو شعر و سرود بخوانند، تکبر و حمد بگویند، و از گفتن حرفهایی که خدا بدان راضی نیست، بپرهیزند.

مستدرک الوسایل ج ۱۴ ص ۱۹۸

حدیث هفدهم:

قال امیرالمومنین (): اَفضَل الشَّفاعاتِ اَن تَشفَعَ بَینَ اَثنَینِ فی نِکاحٍ یَجمَعَ الله بَینَهُما.

حضرت امیرمومنان () فرمودند: از بهترین شفاعتها، شفاعت بین دو نفر در امر ازدواج است تا اینکه خداوند آنان را مجذوب یکدیگر گرداند.

تهذیب ج ۷ ص ۴۰۵

حدیث هیجدهم:

قال علی (): اذا اَرادَ اَحَدُکُم اَن یَتَزَوَّجَ فَلیَسئل عَن شَعرِها کَما یَسأَلُ عَن وَجهِها فَاِنَّ الشَّعرَ اَحَدُ اَلجَمالَین.

حضرت علی () فرمودند: هروقت یکی از شما، بخواهد ازدواج کند، از اوصاف موی سر زن نیز سوال کند همچنانکه از چگونگی رخسار او می‌پرسد. چون که موی زن یکی از دو زیبایی (مو و صورت) اوست. (و اگر یکی از دو طرف آنرا رنگ کرده‌اند باید مطرح کنند چه‌رسد به بیماری یا اعتیاد و مسائلی از این قبیل)

من لایحضرالفقیه ج ۳ ص ۲۵۴

حدیث نوزدهم:

قال امیرالمومنین (): لا تُغالوُا بِمُهُور النِساء فَتَکُونَ عَداوَةً

حضرت علی () فرمودند: مهریه زنها را سنگین نگیرید که موجب کدورت و دشمنی گردد.

وسائل الشیعه ج ۱۵ ص ۱۱

حدیث بیستم:

عن ابی جعفر () قال: اَلصَّداقُ ما تَرا ضَیا عَلَیهِ مِن قَلیلٍ اَو کثیرٍ فَهذا الصَّداق

مهریه همان چیزیست که طرفین برآن توافق می‌کنند، کم باشد یا زیاد.

فروع کافی ج ۵ ص ۳۷۸

حدیث بیست و یکم:

عَن مُحَمَّد بنِ مُسلم قالَ، سَأَلتُاَباجعفر علیه‌السلام:عَنِ الرَّجُل یُریدُ اَن یَتَزَوَّجَ اَلمرأةَ، اَینظُرُ اِلَیهاء قالَ: نَعَم اِنَّما یَشتَرِیها بِاَعلی الثَّمَن

محمدبن مسلم می‌گوید: از امام باقر علیه‌السلام پرسیدم: مردی که می‌خواهد با زنی ازدواج کند، آیا حق دارد او را ببیند؟

امام علیه‌السلام فرمودند: آری چون در برابر آن بهای سنگینی می‌پردازد.

وسائل الشیعه ج ۲ ص ۸۸

حدیث بیست و دوم:

قال الصادق علیه‌السلام: مَن تَرَکَ التَّزویجَ مَخافةَ الفَقرِ فَقَد اَساءَ الظَّنَّ باللهِ عَزَّوَجَلّش اِنَّ الله، عزوجَلَّ، یَقُول، اِن یَکُونوا فُقَراءَ یُغنِهِمُ اللهُ مِن فَضلِهِ:

امام صادق علیه‌السلام می‌فرمایند: هر کس از ترس فقر، ازدواج نکند نسبت به لطف خداوند بد گمان شده است چرا که خداوند می‌فرماید، اگر آنان فقیر باشند، خداوند از فضل و کرم خود بی نیازشان می‌کند.

من لا یحضره الفقیه ج ۳ ص ۲۵۱

حدیث بیست و سوم:

عِنِ الصادق علیه‌السلام: قالَ، مَن زوَّجَ اَعزَباً کانَ مِمَّن یَنظُرُ اللهُ، عَزَّوَجَلَّ اِلیه یَومَ القِیامَهْ....

کسی که مجردی را تزویج کند و امکان ازدواج او را فراهم نماید از کسانی است که د ر قیامت خداوند به آنان نظر لطف می کند.

وسائل الشیعه ج ۲۰ ص ۴۵

حدیث بیست و چهارم:

قال الصادق علیه‌السلام: اَربَعهٌیَنظُرُاللهُ اِلَیهِم یَومَ القیامَهِ: مَن اَقالَ نادِماً اَو اَغاثَ لَهفانَ اَو اَعتَقَ نَسَمَهً اَو زَوَّجَ عَزَباً

امام صادق علیه‌السلام فرمودند: چهار کس در قیامت مورد نظر پروردگارند:

۱- آنکه چون طرف معامله پشیمان شود، معامله را برگرداند. (اقاله کردن معامله بسیار ثواب دارد.)

۲- کسی که غم از دلی برگیرد.

۳- کسی که برده ای را آزاد کند.

۴- کسی که بی همسران را به ازدواج همدیگر درآورد.

وسائل الشیعه ج ۲۰ ص ۴۲

حدیث بیست و پنجم:

عنِ الصادق علیه‌السلام: لا بَأسَ بِاَن یَنظُرَّ الرَّجُلُ اِلَی اَلمَرأَهِ اذا اَرادَ اَن یَتَزَوَّجَها. یَنظُرَ اِلی خَلفِها وَ اِلی وَجهِها.

امام صادق علیه‌السلام فرمودند: مانعی ندارد که مرد قامت و صورت زنی را که قصد ازدواج با او را دارد، ببیند.

وسائل الشیعه ج ۲۰ ص ۸۸

حدیث بیست و ششم:

قال الصادق علیه‌السلام: اِنَّما اَلمَرأَهُ قِلادَهٌ فَانظُر ماتَتَقَلَّد.

امام صادق علیه‌السلام فرمودند: زن همانا گردنبندی است، نیک بنگر که چه گردنبندی را به گردنت آویزان می کنی.

وسائل الشیعه ج ۲۰ ص ۳۳

حدیث بیست و هفتم:

سُئِلَ عَنِ الصادق علیه‌السلام: اِنّی اُریدُ اَن اَتَزَوَّجَ إمرَأهً وَ اِنَّ اَبَوَیَّ اَرادا غَیرَها. قال: تَزَوَّجِ اَلَّتی هَوَیتَ وَدَعِ الَّتی هَوی اَبَواک.

از امام صادق علیه‌السلام سوال کردند؟

من میخواهم با زنی ازدواج کنم ولی پدر ومادرم مایلند با دیگری ازدواج کنم. امام علیه‌السلام فرمودند: با زنی که خودت مایلی ازدواج کن، و زنی را که پدر و مادرت (بدون رضایت تو) انتخاب کرده‌اند، رها کن.

فروع کافی ج ۵ ص ۳۷۸

حدیث بیست و هشتم:

قالَ الصادق علیه‌السلام: اِنَّ رَسُولَ اللهِ علیه‌السلام: حینَ تَزَوَّجَ مَیمُونَهَ بِنتَ اَلحارِثِ أولَمَ عَلَیها و اَطعَمَ النّاسَ الحَیس.

امام صادق علیه‌السلام فرمودند: پیامبر خدا (ص) در هنگام تزوج (میمونه) دختر حارث و لیمه دادند و با غذای معجون خرما از حاضرین پذیرایی کردند.

فروع کافی ج ۵ ص ۳۶۸

حدیث بیست و نهم:

قالَ الامام الصادق علیه‌السلام:

اِنَّ مِن بَرَکَةِ المَرأةِ المَرأةِ قِلَّةَ مَهرِها.

امام صادق علیه‌السلام فرمودند: از برکات زن کمی مهریه است.

من لا یحضرالفقیه ج ۳ ص ۲۵۴

حدیث سیُم:

عن اَبی عبدالله علیه‌السلام قالَ: مَن أمهَرَ مَهراً ثُمَّ لا یَنوی قَضاءَهُ کانَ بِمَنزَلَةِ السَّارق.

امام صادق علیه‌السلام فرمودند: کسیکه مهریه ای (برای زن قرار دهد) و قصدش این باشد که به او ندهد او همانند دزد است.

فروع کافی ج ۵ ص ۳۸۳

حدیث سی و یکم:

قال الصادق علیه‌السلام: اِنَّ الله یُحِبُ البَیتَ الَّذی هُوَ العِرش.

امام صادق علیه‌السلام فرمودند: خداوند خانه ای را که در آن عروسی انجام گرفته، دوست می‌دارد.

وسائل الشیعه ج ۲۲ ص ۷

حدیث سی و دوم:

عَنِ الصادق علیه‌السلام: زُفُّوا عَرائِسَکُم لَیلاً وَ اطعِمُوا ضُحیً.

امام صادق علیه‌السلام فرمودند: مراسم عروسی را در شب و مهمانی را در روز انجام دهید.

من ل ایحضر الفقیه ج ۳ ص ۲۶۲

حدیث سی و سوم:

قالَ الصادق علیه‌السلام: اِذا دَخَلَت عَلَیکَ اَهلُکش فَخُذ بِناصِیَتِها وَ استَقبِل بِها القِبلَةَ وَ قُل: اَللّهُمَ ... فَاِن قَضَیتَ لی مِنها وَلَداً فَاجعَلهُ مُبارَکاً سَوِیاً

امام صادق علیه‌السلام فرمودند: چون همسرت به خانه تو آمده دست بر پیشانیش بگذار و رو به قبله برگردان و (دعا کن) بگو خداوندا ... اگر از این همسرم، فرزندی برای من تقدیر نمایی، فرزند مبارک و سالم عنایت فرمای.

من ل ایحضر الفقیه ج ۳ ص ۲۶۳

حدیث سی و چهارم:

قالَ الصادق علیه‌السلام: اَلعبهِ کُلَّما از دادَ لِلنساءِ حُبّاً إزدادَ فِی الایمانِ فَضلاً.

امام صادق علیه‌السلام می‌فرمایند: هر چه محبت مرد بر زن بیشتر گردد بر فضیلت ایمانش افزوده می‌شود.

من ل ایحضر الفقیه ج ۳ ص ۲۵۱

حدیث سی و پنجم:

قال الامام الکاظم علیه‌السلام: ما مِن إمرَأَةٍ تَسقی زَوجَها شَربَةً مِن ماءِ اِلّا کانَ خیراً لَها مِن عِبادةِ سَنَةٍ.

امام کاظم علیه‌السلام می‌فرمایند: هر زنی که به شوهرش قدری آب آشامیدنی بدهد، پاداش آن از عبادت یک ساله بالاتر است. (حال ثواب خدمات دیگر مثل آشپزی، بچه داری، تمیز کردن منزل و ... چقدر ثواب خواهد داشت).

وسائل الشیعه ج ۲۰ ص ۱۷۲

حدیث سی و ششم:

قال موسی بن جعفر علیه‌السلام: ثلاثَةٌ یَستَظِلُّونَ بِظِلِّ عَرشِ اللهِ یَومَ القِیامَةِ، یَومَ لاظِلَّ اِلاظِلَّهُ: رَجُلٌ زَوَّجَ اَخاهُ اَلمُسلِمَ اَو اَخدَمَهُ اَو کَتَمَ لَهُ سِرّاً.

امام کاظم علیه‌السلام فرمودند: سه دسته در روز قیامت، روزی که سایه و پناهی جزء سایه خداوند نیست، در سایه و پناه خدا هستند: ۱- مردی که زمینه ازدواج برادر مسلمانش را آماده نماید. ۲- مردیکه به برادر مسلمانش خدمت کند. ۳- کسیکه سرّ برادر مسلمانش را بپوشاند.

وسائل الشیعه ج ۲۰ ص ۴۶

حدیث سی و هفتم:

قالَ الامام الرّضا علیه‌السلام: اذا خَطَبَ رَجُلٌ رَضیتَ دینَهُ وَ خُلقَهُ فَزَوَّجهُ وَ لا یَمنعک فَقرُهُ وَ ...

امام رضا علیه‌السلام فرمودند: هنگامیکه مردی از شما خواستگاری کرد که از دین و اخلاق او راضی بودید به ازدواج با او رضایت دهید. و مبادا فقر او ترا از این رضایت باز دارد و...

میزان الحکمه ج ۴ ص ۲۸۰

حدیث سی و هشتم:

قال الامام الرضا علیه‌السلام: مِن سُنَّتِهِ (رَسول الله علیه‌السلام) اَلتَّزویجُ با لَّیلِ، لاَنَّ اللهَ تَعالی جَعَلَ اللَّیلَ سَکَناً و النساءَ إنَّما هُنَّ سَکَنٌ.

امام رضا علیه‌السلام فرمودند: مراسم عروسی در شب، سنت پیامبر اسلام است، چرا که خداوند شب را مایه آرامش قرار داده و زن هم آرامش خاطر است.

وسائل الشیعه ج ۲۰ ص ۹۱

حدیث سی و نهم:

نقل است از معصوم بدین مضموم.

جوانی خدمت رسول اکرم (ص) رسیدو ابراز فقر و تنگدستی کرد، آن بزرگوار وی را به تشکیل خانواده و ازدواج توصیه کردند. آن جوان تعجب کردو با خود گفت من از فقر می گویم و پیامبر از ازدواج؟!

بهرحال با کمک والدین تشکیل زندگی داد و وضع مالی آن جوان خوب شد و به حکمت توصیه حضرت پی برد.

حدیث چهلم:

نوادر الراوندی: باسناده، عن موسی بن جعفر، عن آبائه علیهم السلام عن النبی صلی الله علیه وآله قال: ما من شاب تزوج فی حداثهٔ سنه الا عج شیطانه یا ویله یا ویله عصم منی ثلثی دینه، فلیتق الله العبد فی الثلث الباقی

از امام موسی بن جعفر (ع) از پدرانشان از حضرت رسول اکرم نقل است که فرمودند اگر کسی در ابتدای سنین جوانی ازدواج کند فریاد شیطان عاجز می‌شود، و می‌گوید وای بر من وای بر من از این عمل که دین وی حفظ شد پس تقوای خداوند را باید داشته باشد در ثلث آخر.

در این قسمت بعلت اینکه در محافل شادی و عقد و عروسی بعضاً از آلات لهو و لعب بیزارند و مقید به حدود الهی می‌باشند و از گناه آنچنان متنفرند، بطوریکه از مردار و اشیاء متعفن. پس از بحث توصیه به دعا کردن و شرایط آن تصمیم به جمع‌آوری تعدادی سرود و شعر گرفته شد. که این مجالس خالی از طنز و شادی نباشد و در عین حال با گناه و مردم‌آزاری و بوق‌های مکرر اتومبیل، و راه بندان جاده‌ها موجب اذیت و آزار دیگران نشده و مهمانان با چهره‌ای باز و متبسم به خانه‌هایشان بروند نه با تصادف و خاطرات بد.

توصیه به دعا کردن و شرایط آن

برای موفقیت در امر ازدواج علاوه بر تحقیق و بررسی جوانب امور باید دست به دعا برداشت و از خداوند متعال کمک خواست زیرا خود او فرمود اُدعُونی اَستَجِب لَکُم (بخوانید مرا تا شما را اجابت کنم ولی باید دانست دعا کردن آداب دارد که بطور خلاصه موارد زیر را مقدم بر دعا بدانید و پس از آن دست بدعا بردارید.

۱- طهارت ظاهری و باطنی داشته باشید. (قلب خود را از کینه و کبر و حسد و دروغ خالی و لباس شما حلال و پاک باشد.) و وضو بگیرید.

۲- صدقه در راه خدا بدهید یا گرسنه‌ای را سیر کنید یا دلی را شاد نمائید.

۳- دو رکعت نماز حاجت (همانند نماز صبح) بخوانید.

۴- بسم الله الرحمن الرحیم بگوئید.

۵- تعریف و تمجید خداوند بگوئید و نعمتهایی را که به شما ارزانی داشته یادآور شوید.

۶- بر محمد و آلش صلوات بفرستید و محبت آنان را در دل داشته باشید.

۷- گناه را کوچک نَشُمارید و به کوچکی گناه (صغیره بودن) نگاه نکنید. (بلکه عظمت الهی را در نظر بگیرید)

۸- برای دیگران مقدمتاً دعا کنید و آنانیکه بشما ظلم کرده‌اند را برای هدایتشان دعا کنید.

۹- در دعا کردن خوش گمان باشید و فکر و روحتان بلند باشد (کُلِی دعا کنید مانند، خداوندا همه مریضها را شفا ده خداوندا همه مقروضین را قرضشان را اداء فرما و) ...

۱۰- با حالت تضرع دعا کنید.

۱۱- در دعا اصرار کنید (زیرا اگر آن دعا مستجاب نشود به جبران آن خیر دیگر یا رفع شری برایتان منظور می‌شود.)

۱۲- بعد از نماز حاجت ونماز فریضه و تعقیبات (بخصوص تسبیحات حضرت زهرا علیهاسلام) دعا مستجاب است.

۱۳- با خوف و رجاء (ترس و طمع) دعا کنید.

۱۴- قبل از دعا از غذای حلال استفاده کرده زیرا، خوردن غذای حلال باعث استجابت دعا است.

۱۵- به قولها و عهدهائیکه بخداوند متعال داده اید عمل کنید، دعایتان مستجاب می‌شود.

۱۶- از مردم قطع امید کنید و ائمه اطهار را واسطه قرار دهید (بخصوص پنج تن آل محمد را) دعا مستجاب می‌شود.

۱۷- بعضی مواقع دعایتان مستجاب شده ولی گناهی که بعد از آن انجام داده اید جلوگیری از استجابت دعای شما می‌شود لذا آقا امیرالمومنین میفرمایند خداوندا بیامرز گناهانی که باعث حبس دعا می‌شوند. و از معصوم آمده حبس دعا بعلت بی‌اهمیت بودن در امر نماز در اول وقت با شرایط آن

۱۸- اِعمال قدرت الهی را حکیمانه بدانید.

۱۹- شبهای قدر یا شبهائیکه مناسبت الهی دارند یا شب جمعه را برای دعا کردن انتخاب کنید.

۲۰- صلوات بر محمد و آلش زیاد بفرستید. انشا ...دعایتان مستجاب می‌شود.

بنام خدا

بَه بَه از این جشن همایون اساسی مجلسیانش همه ارباب حال

نیست در این مجلس، لهوو لعب

میوه و شیرینی و گز با هم است

تا بشود قلب همه منجلی

ای خانه کعبه، زادگاهت

هم هشت بهشت، بذل دستت

چون ذات مقدس الهی

تو، نَفسِ محمدی، علی جان

تا روی زمین ناجی و هالک باشد

این جشن به فامیل عروس و داماد

بهر تبریک، اندر این جلسات

عقل کند باغ بهشتش قیاسی

با خرد و با ادب و با کمال

تا بشود کس، گُنَهی، مرتکب

عیش و طرب، بهر همه توأم است

لب بگشایم، بمدح علی

ای بیت، اسیر یک نگاهت

هم هفت سپهر خاک راهت

کس پی نبرد به قدر وجاهت

آئینه سرمدی، علی جان

تا نام علی ذکر ملائک باشد
فرخنده و میمون و مبارک باشد
گو بر پیغمبر خدا صلوات
حاج علی محمود زاده (اصفهان)
گشته چو پیوند دو گُل با شعف
مجلسیان جمله زیند کف به کف
حاج علی محمود زاده (اصفهان)

باز از لطف مَهدی اَلهادی
دوستان غرق عِشرت و شادی
کف زنید از برای شه داماد
گُل به بلبل، ز مهر پیوسته
شَه داماد همچو گلدسته
کف زنید از برای شَه داماد
یار در پشت پرده کرده جلوس
مه نخوانش بگو تو تازه عروس
کف زنید از برای شَه داماد
بشه از این بزم و جشن و مهمانی
من چه گویم تو خوب می دانی
کف زنید از برای شَه داماد
نسترن زوج و زوجه اش لاله
دوستان عزیز از دو طرف
دو دقیقه تمام، کف بر کف
کف زنید از برای شَه داماد
شد بپا بزم و جشن دامادی
اهل مجلس پی مبارک باد
کف زنید از برای شَه داماد
همچنان عاشقانه دِلخسته
در یَمین و یَسارِ او، شمشاد
کف زنید از برای شَه داماد
بال گسترده همچنان، طاووس
اوست شیرین و همسرش فرهاد
کف زنید از برای شَه داماد

هر طرف مردمان روحانی

هم خدا راضی و هم بنی دلشاد

کف زنید از برای شَه داماد

لاله، نِی ماه چهارده ساله

وقت باشد طلا، مکن تو تلف

تا که انعام ما نرود از دست

کف زنید از برای شَه داماد

حاج اصغر آقا کلانی (اصفهان)

حق ندارد کسی اینجا بکند چهره عبوس

همه تبر یک بگوئید به داماد و عروس

ای رفیق که ستادی بر داماد، خصوص

عوض ما همگی چهره ماهش تو ببوس

حاج آقا رسول کاردانپور(اصفهان)

مرشد شهر قمصر گفت فراز مِنبرَ

هر که بگیرد یک زن چراغی کرده روشن

یکی، یکی اضافه تا چهار تا زن معافِه

بپای منبر خویش بدید همسر خویش

ازترس آن ضعیفه سرود این لطیفه

هرگز نشد فراموش لامپ اضافی خاموش

حاج آقا مهدی غزالی (اصفهان)

(شب عروسی)

مجلس ما ز صفا، رشک جَنّان است امشب

پای وجد و طرب و عیش نشان است امشب

همه شادند به پاکوبی و دست افشانی

یکجهان شور از این بزم عیان است امشب

شاد باشد، دل یاران و محبان، زیرا

که شب وصلِ چنین تازه جوان است امشب

روز خرسندی که این غنچه دهان است امشب

شب دامادی این سرو، روان است امشب

بلبلی می رسد، اکنون به وَصلِ گُل خویش

که بصد شور و نوا نغمه زنان است امشب

بزم ما خُرَّمی روضه رضوان دارد

که شادی و صفا رشکِ جَنّان است امشب
بَه بَه از رونق این جشن همایون که بر آن
چشم حوران بهشتی نگران است امشب
شربت شادی ز کفِ ساقیِ مجلس نوشند
ظرف عشرت بکف مجلسیان است امشب
شده پیوندِ دو فامیل چومحکم باهم
شاد و خُرَّم دل هر پیر و جوان است امشب
ای حریفان همه بر شادی و عشرت کوشند
که نه از غُصه وغم نام و نشان است امشب
همه را از پی زوجیت داماد و عروس
بانگ تبریک چو ما هر بزبان است امشب
(حاج علی حسن هرندی)

شب عروسی
این جشن با شکوه که امشب همی بپاست
چون باغ خُلد دلکش و مطبوع و جان فزاست
هم موجب رضایت پیغمبر است و آل
هم مورد عنایت و الطاف کبریاست
بزمی است با طراوت و جشنی است باصفا
جائی نشاط بخش و مکانی فرح فزاست
از صافی، طینتتان شده، این بزم چون بپا
الحق که همچو خُلدِ برین، روضه الصفاست
چون نیست، در آن عملی بر خلاف شرع
خشنود از آن پیغمبر و راضی، از آن خداست
بر جای نغمِه نِی و، آواز و تار ودَف
در گوش ما مناجات سلطان اولیاست
شاه نجف، وصی بلافصل مصطفی
کاندر صف جَزا بسوی چشم انبیاست
مولای جن و انس که در روز رَستخیز
بر دست جُودِ مُکَرَمَش چشم ما سواست
(هیئت حضرت ابوالفضل حاج علی حسنی هرندی)

جشن عقد و عروسی

مجلس عیش مهیاست، مبارک باشد

روح بخش و طرف افزاست، مبارک باشد

عارف و عالم وعامی همه یک جا جمع‌اند

بزم چون سینه سیناست، مبارک باشد

مدعی رو بشین، عیب مجو، خورده مگیر

مجلس از عیب مُبَراست، مبارک باشد

قلب داماد محبان همه شاد و خُرَّم

همچو آئینه مصفاست، مبارک باشد

(حاج علی حسن هرندی)

دست زدن

شادمان گرد هم آئید وهمه صف بزنید

بهر خشنودی داماد و عروس همه کف بزنید

شاد باشد بحق شاه نجف

هر کرا با نشاط زد کف بر کف

(حقیقی)

ای مجلسیان بگرد هم صف بزنید

صد طعنه ز شادی به نِی وُ دَف بزنید

از بهر سلامتی داماد و عروس

با شوق و شَعَف ز جان و دل کف بزنید

(حاج علی حسن هرندی)

کف زدن

امشب این جشن فرح بخش که بر پا شده است

بهر خشنودی داماد مهیا شده است

جمع اسبابِ طرب بر همه یکجا شده است

در چنین بزم که اکنون فَرَح افزا شده است

اکنون که بُوَد زمان شادی و شعف

با خاطر شاد، جمله یاران زده صف

ما را نَبُوَد کار به تار و نی و دف

با شوق زنیم جمله کف را بر کف

(حاج علی حسن هرندی)

کف زدن

اهل مجلس همه در شادی و عشرت کوشید
بر بَدَن جامه عشرت به مسرت پوشید
نقل و شیرینی و شربت به محبت نوشید
شعر شیرین مرا ز صفا پوشید
من نگویم که در این جشن نی و دف بزنید
بهر خشنودی داماد همه کف بزنید (۲ دقیقه)
(حاج علی حسن هرندی)

دست زدن

تا روی زمین، ناجی وهالِك باشد
تا نام ز مملوك و ز مالك باشد
این جشن شریف بهر داماد و عروس
فرخنده و میمون ومبارك باشد
آنانکه در این جشن همایون زده صف
اَجر همه با شَهَنشَهِ مُلكِ نجف
از بهر سلامتی داماد و عروس
محکم بزنید جُملگی کَف بر کَف
(حاج علی محمود زاده)

ازدواج حضرت علی و فاطمه علیها سلام

سوگند به روی تو و الفجر منور
بر ده شب ذی حجه و بر سوره کوثر
ای نور فروزنده و ای فاطمه ی پاک
مقصود تویی اینهمه از خلقت افلاک
والشمس تو را گفت خداوند نکویت
احسنت به خود گفت ز پیدایش رویت
ای فاطمه جان گشته جهانی ز تو روشن
از آمدنت دامن گیتی شده گلشن
این حُسن وملاحت نه از این عالم خاکست
زیبایی و صورتگری ایزد پاک است
بس نکته ی سر بسته در این راز نهفته
از چیست که معبود تو را فاطمه گفته

هم آسیه و هاجر و هم ساره و مریم

گردیده کنیز تو از این چار مقدم

محبوبه حق چشم کسی چون تو ندیده

از خاک درت دیده ما سرمه کشیده

چون شرح دهم چهره خورشید فلق را

آن نور فروزنده و آن عصمت حق را

آن روشنی دیده پیغمبر خاتم

زهر است، گل سر سبد عالم و آدم

در خانه اَنیس دل و غمخوار محمد

در جبهه، طبیبانه، پرستار محمد

پروردهِی دست کَرَم و زُهرِه طه

هم د ختر پیغمبر و هم ام ابیها

هم طیبه ی طاهره؛ هم درج گهر بود

زهرا چه بشر بود که مافوق بشر بود

چون دخت رسول دو سرا گشت رشیده

گردید دلارام به اوصاف حمیده

صدیقه پسندیده خلاق جهان شد

از زهد سر آمد به همه کون ومکان شد

بس گشته ز اشراف عرب طالب زهرا

آن چهره تابنده و صدیقه کبری

کس راه نمیداد در آن خانه مُحَمَّد

آن پیک خداوندی وآن آیت سرمد

فرمود که زهرا گل فردوس نشان است

در مورد او هر چه خدا گفت همان است

جبریل بیامد که خدا داد سلامت

درباره صدیقه چنین داد پیامت

گفتا که حبیبم بود اینگونه مقدر

زهرای تو با شاه ولایت شده همسر

زیرا که علی قبله گه اهل یقین است

داماد تو آن خوبترین اهل زمین است

فرزند ابوطالب و مولا و مظفر

اسطوره مردانگی و حیدر و صفدر

کان راز شجاعت بُوَدَش دست یدالله

نامش به سموات، علی ولی الله

گفت این گهرت در دو جهان مشتریش نیست

جز شیر خدا لایق بر همسرش نیست

زین روی خدا فاطمه را زوج علی کرد

عقدش به سموات، خدای ازلی کرد

رخسار علی بود که خود قبله نما بود

مولود حَرَم، سرور دین، مرد خدا بود

او فاتح هر جبهه و هم زاهد شب بود

انسان خداگونه و سلطان عرب بود

زهرا رخ پاکیزه او غرق حیا شد

از بهر علی گفت بلی، شاد و رضا شد

آری تو ز آن دولت پاینده‌ی ایزد

آرام علی گشتی و آرام محمد

ای فاطمه جان غنچه به موی تو مبارك

مشاطه به رخسار نکوی تو مبارك

ای فاطمه این جشن طربناك مبارك

از نور تو شد خلقت افلاك مبارك

خشنودی تو شادی پنهان محمد

آمیخته شد جان تو با جان محمد

ای دختر فرخنده محمود گرامی

جانم به فدایت بابی انت و امی

حوران بهشتی همه ای زهره والا

آیینه نگه داشته در عالم بالا

آیند ملائک به زمین دسته به دسته

خورشید سما زهره، پس پرده نشسته

آب و گِل عالم همه مهر تو مبارك

آیینه ات عرش است، سپهر تو مبارك

ایزد چو تو را جلوه گری کرد و بیاراست

از خِیلِ ملائک همه جا زلزله برخاست

شرم از نگهت فاطمه جان شمس و قمر داشت

آندم که علی مقنعه از روی تو برداشت

ای فاطمه جان غنچه به موی تومبارك

مشاطه به رخسار نکوی تو مبارك

با هم چو عروس، گل و داماد ستادند

اکسیر دو عالم همه بر وزنه نهادند

دیدند چو این منظره سکان سموات

کردند به زهرا و علی جمله مباهات

با ذکر سلام و صلوات و به اشاره

کردند در این بزم سه خورشید نظاره

گفتند ملائک همه در حال نیایش

این زبده ی هستی است خدا داده نمایش

هر روز سه نورش به فلک جلوه گری بود

این زهره تابنده سزاوار علی بود

گفتند مبارک همه این روز خجسته

الله بزرگ است بر این عقد که بسته

تاج سرت ای فاطمه از قبه ی نور است

عالم همه از شادی تو غرق سرور است

ای فاطمه امروز ملائک همه شادند

گل بر سر گل باده به پیمانه نهادند

در شان تو کرده است نزول آیه تطهیر

والشمس و قمر گشته به رخسار تو تفسیر

ای راضیه‌ی مرضیه؛ ریحانه به قامت

کانون وفا؛ شافعه‌ی روز قیامت

هم آل عبا هم گل پرورده‌ی یاسین

در راه دهد پیرهن خویش به مسکین

ای خانه‌ی تو خانه‌ی توحید و کرامت

در دست تو ای فاطمه خورشید هدایت

کی وصف تو شاید که چنین نیست زبانم

یک را به هزاران ز تو گفتن نتوانم

تا نام علی نقشه‌ی گلگون شفق شد

هم مَحرَم صدیقه و هم مَحرَم حق شد

این جشن طرب با گل و شمشاد مبارک

چون شاه ولایت شده داماد مبارک

زهرا قدمش بهر سرای تو مبارک

این بانوی عالم ز برای تو مبارک

زین جشن نکو دیده‌ی حَوّا شده روشن

از نور رُخَش عالم عالم بالا شده روشن

گفته است تو را فاطمه بابای نکویت

هر لحظه بهشت است مرا دیدن رویت

بر شاه ولایت شده همپایه و همسر

از بهر پیمبر شده فردوس مکرر

چونت بِسُرایَم که تو زان گفته فزونی

ای فاطمه جان از سخن و وصف برونی

تا گرد گریبان تو گلهای سپید است

ما را به دل از جود و سخای تو امید است

این جشن به پیغمبر و داماد مبارک

بر فاطمه این خاطره‌ی شاد مبارک

روح تو به فردوس شود شاد خدیجه

چون گشته علی بهر تو داماد خدیجه

آنها که دو صد شمه ز احوال تو خوانند

ای فاطمه جان اول ِوصف تو بمانند

زان مولد و میلاد که فرزند تو باشد

گلهای نبوت همه دلبند تو باشد

بر روی حسین و حسنت نور امامت

کان معدن حلم است و یکی شیر شجاعت

ای حُسنِ تو با گلشن فردوس برابر

بر زینب و بر جمله امامان شده مادر

زان زاده‌ی پاکان تو ای مام ِولایت

تا مهدیت ای فاطمه بر ماست کفایت

امید که از یُمنِ تو خورشید بتابد

مهدی زپس پرده، به ما رخ بنماید

ای فاطمه مسکین نرود از نظر تو

ایستاده به صف، خیل گدایان به در تو

در باز کن ای فاطمه بر عاشق خسته

کس در به گدایی که بود دوست، نبسته

ای فاطمه جان، غنچه به موی تو مبارک

مشاطه به رخسار نکوی تو مبارک

ای فاطمه جان، گر تو بِرانیم از این در

آیم به گدایی تو باز از در دیگر

اطعام نما فاصله بیگانه نباشم

رو بَر که کنم گردر این خانه نباشم

عقد است و عروسی و گل و آینه بسته

معصومه بر این خوان کرم تازه نشسته

سوگند به حق حسن و جان حُسَینَت

وان هر دو جگر گوشه و آن نور دو عینت

ما را بده نقلی و طعامی و شرابی

زان کوثر پاکیزه رسان شربت آبی

ای فاطمه ای سِرِّ خداوندِ خطاپوش

با نام تو گردیده مرا نام فراموش

ای زهره برآوَر ز کرم آروزیم را

من غرق گناهم تو بخر آبرویم را

ای فاطمه امروز به دل عشق تو دارم

تا حشر چنین، جان حُسَینَت بگذارم

ای کاش به دل فاطمه جان نور تو افتد

شعر من بی مایه به منظور تو افتد

از عشق تو ای فاطمه دل بَر نتوانم

بی گوهر عشق تو دو عالم نَسِتانَم

یا فاطمه امروز به عشق تو اسیریم

فردا همگان دامن وصل تو بگیریم

۱ تا ۱۰ ذی‌الحجه ۱۴۱۵

"۱۳۷۳ هجری شمسی "

حاجیه خانم معصومه طالبان

(اصفهان)

حدیث کسا

آمده ای شیعه چنین در خبر

سرور وسالار و امین عرب

ختم رسل؛ خاتم پیغمبران

آمده روزی زوفا؛ مصطفی

گفت سلام ای مه رخشان من

کی همه جسمند و یکی نور تو

فاطمه جان؛ در به رویم با زکن

تا به کنار تو کنم راحتی

چون که پدر زیر کسا آرمید

مست محبت که ننوشیده جام

گوی که خورشید به ناز آمده

بعد زمانی؛ شه مهر و وفا

داد سلامی و بیامد حسن

عصمت حق؛ مادر او فاطمه

گفت به قربان تو این مادر است

رفت حسن خدمت او با سلام

گفت پیمبر؛ گل خندیده ام

پیش بفرمای مرا در کنار

بار دگر مژده‌یِ رحمت رسید

گشت عیان فاطمه را نور عین

آمد وپرسید ز بعد از سلام

گفت فدای سرتو؛ جان من

هم حسن و جد تو در انتظار

وانگه علی آمد و کردی سلام

آمد و فرمود چنین با بتول

فاطمه فرمود در اینجا بلی

رفت‌علی؛کردسلام؛ اذن‌خواست

گفت نبی، سلسله افروز من

ای تو پسر عَمّ و برادر مرا

هستی این ملک ز هست تو است

آنچه خداوند عنایت کند

یافت نجات ابدی یا علی

آمد و بنشست کنار رسول

گرم چو با هم شده آن چار تن

گفت سلامم به گل رویتان

فاطمه‌چون خواهش‌خود رابگفت

گفت بفرمای؛ رسول خدا

فاطمه آن بانوی کون و مکان

دید چو پیغمبر حق؛ فاطمه

شکر خدا گفت؛ رسول خدا

گفت؛ رسول دو سرا این سخن

کین همه چون روح روان منند

ای که خداوند دل و جان تویی

دوست این اهل مرا دوست دار

کردنگاهی چو خداوند پاک

دید چوآن پنج به روی عبا

خلقت خود را چه برازنده دید

گفت خداوند که عالم تمام

آن همه عشاق مناجات ی اند

کین همه بی هول و ولا با منند

احمد محمودم و پیغمبرم

فاطمه و همسر و فرزند او

چونکه‌شنیداین‌خبرش‌جبرئیل

گفت خداوند به روح الأمین

قلب حبیب من از آن شاد کن

گوی به آنها که خدای ودود

تهنیت و مژده بسی دادتان

مس وجود تو چو می زد عیار

گفت شما قرب مرا مَحْرَمیدْ

نام تو را احمد و یس کند

روی تو با نور خود آمیخته

ای به فدای نمک روی تو

ای به تو از عالم هستی درود

دولت فرزند تو پاینده است

گر بکند کس به رهم کارزار

بی گهر مهر علی و بتول

بعد بفرمود چنین مرتضی

لطف بفرما وبگو بهر من

گفت پیمبر به خدای مجید

هر که بخواند همه این داستان

حاجت او را بدهد کردگار

گفت علی حق خدای حَرَم

هست عنایت خدا، بی شمار

از در این خانه و این خاندان

راوی آن دختر خیر البشر

آنکه بود هستی ما را سبب

طلعت روشنگر هفت آسمان

زد به درخانه عشق و صفا

روی تو آرام دل و جان من

وزهمه‌هستی؛همه‌منظوره‌تو

پهن کسا بهر من، آغاز کن

باشم و اندیشه کنم ساعتی

جلوه‌چنان‌کرد که چشمی‌ندید

چهره‌ی‌او گشته چوبدری‌تمام

ماه، خَمَش، بهر نیاز آمده

وارث محراب علی؛ مجتبی

گفت رسد بوی‌خوشی‌سوی‌من

آنکه بود چشم امید همه

بوی‌خوش از مقدم‌پیغمبراست

و ان مه رخشنده‌ی والا مقام

ای حسنم؛ نور دل و دیده ام

تا که تو را بینم وگیرم قرار

سروردین؛ شافع امت رسید

سوم خورشید ولایت؛ حسین

به‌چه شمیمی‌است مرا برمشام

رو که پیمبر شده مهمان من

تا تو رسی ای مه‌سیمین عذار

آن که بود بر همه امت امام

بوی‌لطیفی‌است چوبوی‌رسول

هست پدر زیر کسا یا علی

وانکه‌بلافصل پس از مصطفی است

فاتح هر جبهه‌ی پیروز من

وارث محرابی و منبر مرا

پرچم اسلام به دست تو است

همّ مرا از تو کفایت کند

هرکه تو با شیش امام و ولی

هم نفس و مونس و یار رسول

فاطمه آمد چو گل یاسمن

اذن دهیدم، کنم اینجا مکان

گل ز گل صورت احمد شکفت

زانکه تویی با دل و جان آشنا

شدسوی‌آن‌چار؛چوروح‌روان

گردوجودش؛ رخ‌خوبان‌همه

کین‌زتواست؛آنچه‌نمودی‌عطا

هست یکی روح در این پنج تن

اهل من و راحت جان منند

حافظ این‌عترت وقرآن تویی دشمن اینان همه دشمن بدار

جانب آن پنج تنش روی خاک

شاد شد و گفت به‌خود؛ مرحبا

پنج تنی چون مه تابنده دید

خلق شد از برکت این پنج نام

نی ز مین اند؛ سماواتی اند

دور ز وسواس‌و ز اهریمنند

دختر اوشافعه‌ی محشرم

عالم هستی شده پابند او

اذن گرفتی ز خدای جلیل

مژده ببر؛ مژده ببر بر زمین

اهل حریمش ز غم آزاد کن

از همه ره عیب شما را زدود

آیه‌ی تطهیر فرستادتان

کرد تو را بر همه آموزگار

چون گل بی خار همه عالمید

خویش‌هم‌ازخلق‌توتحسین‌کند

ازنمک خویش؛ نمک ریخته

غنچه‌ی لبهای سخن گوی تو

بهر تو کردند ملائک سجود

چهره او روشن و تابنده است

یا همه شب گریه کند زار زار

طاعت او هیچ نگردد قبول

کی به‌وجودت، سروجانم فدا

آنچه فضیلت دهد این انجمن

آنکه به پیغمبری ام برگزید

تا بزند دست بر این آستان

شامل او رحمت پروردگار

وانکه به ما لطف کند دم به دم

شیعه ما گشت چنین رستگار

روی مکن جای دگر "طالبان"

حاجیه خانم معصومه طالبان

(اصفهان)

تا جَمعِ کَسا ز امرِ خدا، پنج تن آمد

از خلیلِ مَلِک عَرَض به حَیّ زَمَن آمد

ایشان چه کسانند که از خلوت آنان

در جلوه درآمد به تن خسته، ما جان

فرمود خدا فاطمه هست و پدر او

هم فاطمه و شوهر والا گُهَرِ او

هم‌فاطمه‌هست‌و حسن‌آن‌نور دو عینش

هم فاطمه هست و گل بی خار حُسِینش

بر سجده سرِ خود بنمائید کسا را

از جلوه آنان بشناسید خدا را

از بَرْکَتِ این پنج تن پاک و مطهر

کردم ز عدم خلقت هستی همه یکسر

ژولیده نیشابوری

و یا

هوشیار باش که مرگ را چاره نیست

غافل مشو که عمر عزیزت دوباره نیست

ای که در پشت زمینی و خرامان هوشیار

دیگران در رحم و پشت پدرند

(حقیقی)

و یا

ای که پنجاه رفت و در خوابی

مگر این پنج روز را دریابی

(سعدی)

ویا

عمر می گذرد، خواهی، نخواهی

سعی بر آن کن نرود رو به تباهی

عمر کم است صفا، کن، رنج و غم رها کن

اگر نباشد دریا به قطره اکتفا کن

مطلب خود را طلب از سوی خدا کن

زانکه بُود رحمت او لایتناهی

(معین)

ویا

نام نیکی گر بماند ز آدمی

بِه از او مان سرای زرنگار

(سعدی)

اللهمَّ جَعْل عواقِبَ و خواتِم امورنا خیراً

اللهمَّ صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم

لامپ اضافه خاموش

مرشد شهر قمصر

هر که بگیرد یک زن

یکی، یکی اضافه

بپای منبر خویش

ازترس آن ضعیفه

گفت فراز منبر

چراغی کرده روشن

تا چهار تا زن معافِه

بدید همسر خویش

سرود این لطیفه

هرگز نشد فراموش

لامپ اضافی خاموش

حاج محمد علی فریبر (اصفهان)

عروسی حضرت علی (ع) با حضرت زهرا (س)

امشب‌شب‌عقدعلی با حضرت زهراستی

امشب عروسی ولی با لاله حمراستی

پیوند الرحمن حق با کوثر معطاستی

باشد عروسش‌فاطمه داماد آن مولاستی

اهل سما خلق زمین گویند امشب با علی

جشن شب دامادیت بادا مبارك یا علی

جبریل‌نازل از سما گردید بهر مصطفی

آورده پیغام از خدا بر بهترین انبیا

بر این‌دوازروزازل‌این‌عقد را بستیم ما

تودرزمین‌انشادکن‌بارد‌گراین‌خطبه‌را

این عقد عقد فاطمه با ساقی کوثر بود

این وصلت فرخنده حوریه با حیدر بود

بر آستان مرتضی جبریل دربانی کند

آدم‌خوش‌آمدگو بود حوّا ثناخوانی کند

خنجربه‌کف‌داردخلیل‌تاذبح‌وقربانی‌کند

تا با ید وبیضای‌خودموسی‌چراغانی‌کند

باشدطلایه‌دارآن یوسف‌به‌حُسن‌سرمدی

داود با موت جلی خواند ثنای احمدی

امشب‌پیمبرمیدهد بر دست‌حیدرفاطمه

بوداست‌از روزازل‌ناموس داور فاطمه

نازل‌شدازسوی‌خداتطهیروکوثرفاطمه

بر یازده گوهر بود آزاده مادر فاطمه

مولا به‌عشق‌دیدنش‌ساعت‌شماری‌می‌کند

در پشت در استاده و دل‌بیقراری‌می‌کند

یاران‌عروسی‌علی بر دوستانش شاد باد

پیوند زهرا و علی شاد و مبارکباد باد

یاران‌او درهر کجا از قید غم آزاد باد

دل های جمع شیعیان صبح و ماآباد باد

یاران محیا مجلس زهرا و حیدر آماده

هم شربت و شیرینش شعر فریدر آمده

«حاج محمد علی فریور اصفهانی»

مجلس عروسی

شکر الله که بود مجلس ما پر برکات

بهر هر یک بنویسند ملائک حسنات

بهر شادی دل تازه عروس و داماد

هدیه کن بر خَم ابروی محمد صلوات

دارم امید که داماد موید باشد

در ظِلّ توجهات سرمد باشد

شادمان است بصد شور فراوان زیرا

چونکه او ریزه خور آل محمد باشد

یادم آمد که گفته است مرا استادی

چونکه در بزم عروسی تو قدم بنهادی

گر به حُضار اگر دوست شاه دامادی

کف بزن در دو دقیقه از برای شادی

این‌عروسی‌چه بدستور خدا و دین است

آن نگاهی که پیمبر پسندد این است

عروس خانم که خود پیرو زهرا باشد

دارم امید که خوشبخت و موید باشد

دارم امید خداوند به این شاه داماد

مال و فعنایت کند، نیک و زیاد

پسر و دختر نیکو دهد با دل شاد

همگی نیک سرشت و همگی نیک نهاد

شاه داماد ترا تاج تبارک بادا

این عروسی نیک بر تو مبارک بادا

همه گویند این جشن مبارک بادا

(نام‌داماد) جان‌بَه‌بَه‌این‌جشن‌مبارک بادا

تو هم برو تازه جوان زن بگیر

بقدر وُسعَت و توان زن بگیر

تا نشده قدت کمان، زن بگیر

بحکم خلاق جهان زن بگیر

خیز در ین بزم صفا، کف بزن

برای این ماه لقاء کف بزن

از در شادی پدر، آ، کف بزن

تا که شوی کام روا کف بزن

تازه داماد ز احسان امشب

بده ۶ و ۲۰۰ یا ۵ و ۴۰۰ امشب

دارم امید که با همسر خویش

نشوی لحظه‌ای با قلب پریش

دارم امید که کند، لطف خدا

به تو و همسر خوب تو عطاء

صد عدد دختر، پنجاه پسر

هر یکی از دیگر باشدند سَرْ

آفرین بر پدر و زین پسرش

مرحبا بر پسر و آن مادرش

کف بزن باز در این بزم سرور

تا صدایش برسد نیشابور

حاج آقا مرتضی ابریشم باف

(اصفهان)

گل اومده

بَه‌بَه چقدر گل امدهسوسن و سنبل امدهشب تکامل امده

عروس خانم امده زیره کرمون امدهتو کل حیرون امده

آینه و شمعدون امدهنقل‌وگلاب‌دون‌بیاریدآب توی‌ایون بریزید

غنچه،خندون‌بیارید.سوسن و سنبل امدهشب تکامل امده

(حقیقی اصفهانی)

صلِ علی دین محمد بفرست بر محمد و آل محمد صلوات،

محمد یا محمد یا محمد

عروسی، دو پیرو محمد ... محمد یا محمد یا محمد

اگر شادی اگر شادی اگر شاد بکن شکر خدای مستمندان

اگر داری تو حاجت از خداوند بگیر تو دامن آل محمد

محمد یا محمد یا محمد

عزیزانی که در این بزم عالیه دور هم گرفتند جشن شادی

بگو صل علی دین محمدسلام و صد سلام بر آل احمد

محمد یا محمد یا محمد

ای نو عروس ای نو ستاره که گشتی چون گل و چون ماه پاره

بگو از جان و دل، جانم محمد منم نوکر، منم چاکر برای آل احمد

محمد یا محمد یا محمد

حاج مرتضی ابریشم باف (اصفهان)

میلاد علی بن موسی الرضا

مژده میلاد رضا آمده است

مظهر لطف خدا آمده است

جلوه رحمت و عصمت چه خوش است

حاجت شیعه روا آمده است

همه گویند مبارک باد

بَه‌بَه این عید مبارک باد

یَثرب ای دوست گلستان بنگر

مُلکِ توحید چراغان بنگر

شهر عشق آینه بندان بنگر

که صفا روی صفا آمده است

همه گویند مبارک باد

بَه‌بَه این عید مبارک باد

نجمه زین مژده سرافراز شده

گره از زندگیش باز شده

با گل فاطمه همراز شده

با ملائک به نوا آمده است

همه گویند مبارک باد

بَه‌بَه این عید مبارک باد

در جنان حضرت زهرا به سرور

همه حوران به دو صد شادی و شور

بهر تبرک پذیرد به حضور

خبر از باد صبا آمده است

همه گویند مبارک باد

بَه‌بَه این عید مبارک باد

حاج مرتضی ابریشم باف

(اصفهان)

ازدواج

ای جوان بشنو ز من فوری برو همسر بگیر

زن نمی خواهی بگیری لااقل دختر بگیر
گفت پیغمبر بود واجب به امت ازدواج
زن بفرمان خدا و امر پیغمبر بگیر
نصف دینت میشود کامل کنی گر ازدواج
بهر اکملت لکم دین یک زن دیگر بگیر
زن برو از اصفهان اهواز و آبادان و شوش
یا ز اندیمشک یا دزفول یا شوشتر بگیر
خرم آباد و جمین و هم خمینی شهر و خوی
رام شیر و رام هرمز رشت یا رامسر بگیر
بندر عباس و بهشر و ز بندر انزلی
قصر شیرین و قم و قوچان و یا قمصر بگیر
یا ز برزان و ز ویلان و ز رهنان و سده
یا نجف آباد و نائین و نطنز همسر بگیر
القرض از کشور پهناور ایران زمین
در جهان آسودگی خواهی زن و دختر بگیر
از فریور بشنو این پند شکر آمیز را
تاتوانی‌در جوانی‌ای‌جوان همسر بگیر
حاج محمد علی فریور اصفهان

دین خدا نیست به جز راه راست
راه که کج شد، نَه بِسوی خداست
راه یکی، رهبر و مقصود یکی است
مُوسی و عیسی و محمّد یکی است
حرف حق این است، بیا کَج مکن
راه خدا و خَلق خدا کَج مکن
هر چه، نه ایمان و خدابندگی است
حاصل آن خفت و شرمندگی است
(محمد حسین شهریار)
صاحبدلی ز بازار آمده به مدرسه
بشکست عهد صحبت و اهل طریق را
گفتم میان عالم و بازار آمده به مدرسه
تا انتخاب کردی یکی زین طریق را
گفت آن گلیم خویش میبرد ز موج

وین حمد می کند که بگیرد غریق را

جاهل بروز فتنه رَه خانه گم کند

عالم، روشن کند رَه طریق را

(حقیقی)

ای دختر ایران زمین

خواهرم در خیابان، چهره آرایش مکن

از جوانان سلب آرامش مکن

گیسوان از روسری، بیرون مَریز

در مسیر دیدگان، افسون مَریز

خواهرم، دیگر تو کودک نیستی

فاش میگویم، عروسک نیستی

خواهرم، ای دختر ایران زمین

یک نظر عکس شهیدان را ببین

خواهرم، این لباس تنگ چیست؟

پوشش چسبانِ رنگارنگ چیست؟

خواهرم، این قَدَر طنازی مکن

با امور شرع لجباری مکن

در امور خویش سرگردان مشو

لایق چشمانِ نامردان مشو

(محبان اهل البیت عصمت و طهارت)

«بمناسبت ولادت با سعادت صدیقه کبری حضرت زهرا علیها سلام»

ای بانوی بانوان عالم

ای جوهره کمال و دانش

ای دخت گرامی پیمبر

ای اختربُرج آل عصمت

ای کوه وقار و بحرایمان

ای مظهر شوکت و جلالت

ای معدن حلم و گنج حکمت

ای در ثمین پاک زهرا

تو نخبه عالم و جودی

عالَم عَرَض وتو اصل و ذاتی

من خادم درگهت «شهیرم»
لطف و کرم و عنایتی کن
ای ما یه افتخار آدم
مفتاح کتاب آفرینش
ای همسر با وفای حیدر
ای گوهر تابناك عفت
ای آمده، شأن توبه قرآن
ای فاطمه ای گل رسالت
ایجاد ز تو گرفته علمت
عالم همه قطره وتو دریا
تو نور حقیقت و شهودی
سرلوحه دفتر حیاتی
درمانده و خسته و فقیرم
در حشر مرا شفاعتی کن

(حاج آقا مصطفی هادوی اصفهانی)

از خوانندگان گرامی این کتاب درخواست می‌شود، از میکروفن مجالس عقد و عروسی کمال استفاده را بنمایند و در این رابطه چنانچه گذشت، ضمن رعایت موازین شرعی (عدم موسیقی و عدم محیط مطرب) پیشنهاد می‌شود، بنوبت از افرادی که خاطره خوشی یا حکایتی آموزنده یا جُکهای اخلاقی دارند، برای دیگران بازگو کنند و هم مجلسی را بسمت شادی و نشاط سوق داده و هم جرعت و شجاعت بیان را در دیگران ایجاد کنند و بقیه حُضار با صلوات و دست زدن گوینده را تشویق کنند.

که این رویه باعث می‌شود در موقع اذان، افراد با شوق و حلقوم خود اذان بگویند زیرا مؤذن در روز قیامت یك سر و گردن از نظر ثواب از دیگران بالاترند زیرا اعلان زمان رابطه مخلوق با خالق با اذان شروع می‌شود و کسی که از خدا بترسد از مخلوق خدا نمی‌ترسد، از طرف دیگر کسانی می ترسند که یا کم رو و خجالتی هستند یا خدای نکرده اهل معصیت و گناه و یا کم اطلاعند، بهمین دلایل آقا امیر المومنین علیه السلام بزرگترین گناه را ترس می‌دانند.

البته بی ادبی را با رو داری و پُر گفتن را با علم و فضل و ... نباید اشتباه کنیم.

شاد و موفق باشید و در برخوردهایتان با مومنین با لبخند و نشاط و صلوات بر محمد و آل محمد برخورد نمایید که لبخند به چهره مومن حسنه است و عبوس بودن و خشن بودن در مقابل مومن سیئه است.

«منفورترین حلال»

(طلاق)

از بدو پیدایش انسان بر روی کره زمین همواره زنان و مردان، با تشکیل کانونی بنام خانواده، عمری را در کنار هم گذرانده و فرزندانی را در دامان پرمهر و محبت خود پرورش داده و از این جهان رخت بر بسته اند.

در یك نگاهِ ظاهری متوجه می شویم که عناصر اصلی تشکیل دهنده خانواده، یك زن و یك مرد است که مطابق آداب و رسوم

اجتماعی خویش با یکدیگر پیوند زناشویی بسته اند و بعد فرزند یا فرزندانی بر جمع آنها افزوده شده است شاید بتوان در یک تقسیم بندی کلی زندگی انسان را بدو بخش اساسی تقسیم کرد. این دو بخش شامل دوران مجردی و دوران متأهلی است.

متأهل کسی است که ضمن تعهد به شخص دیگر و پایبند پیوند خود و او در قبال آن شخص وظایف و حقوقی را بر عهده دارد.

ازدواج مرز جدا کننده مجردی از متأهلی است. در هر حال چه ازدواج را پیوند میان دو روح تلقی کنیم و چه آنرا صرفاً قراردادی اجتماعی بدانیم. دارای تأثیرات اساسی در زندگی فرد واجتماع است. اساسی ترین و آشکارترین کارکردهای دیگری نیز بر آن مترتب است. طبیعی ترین شکل خانواده همین است که هیچ عاملی جز مرگ نتواند، پیوند زناشویی را بگسلد ومیان زن و شوهر جدایی بیفکند. اگر ازدواج را قراردادی بین دو شخص برای زندگی مشترک بدانیم، این قرارداد، همواره دایم نیست و گاهی بنا به دلایلی فسخ می‌شود. جریان فسخ قرارداد و بین یک ازدواج را اصطلاحاً طلاق می گویند. هیچ دختری در آغاز زندگی و در پای سفره عقد تصور نمی کند که روزی مشکلات، چنان بر او غلبه کنند و شرایطی بر او تحمیل شود تا دادخواست طلاق داده به زندگی مشترکش پایان دهد. طلاق احساس باخت و بازنده بودن در ارتباط زناشویی است که دو طرف، برای رهایی از این احساس شوم،اقدام به جدایی می کنند، گاهی، تنها راه منطقی برای حل مشکل به نظر می رسد. آنچه دارای اهمیت است، نگرش متفاوت افرادجامعه، نسبت به این پدیده است.

طلاق دلایل گوناگونی دارد. این دلایل متناسب با موقعیت، طبقه و جایگاه اجتماعی زوجین متفاوت است. شناخت عوامل موثر در شکل گیری طلاق، در کنترل و کاهش آن نقش بسزایی خواهد داشت، تا جائی که بسیاری از طلاقها، از مشاجرات و نارضایتی‌ها به دلیل اینکه گفت و گو انجام نمی شود و یا بد گفت‌وگو می‌کنیم (بی ادبانه و غیرمنطقی و غیرشرعی) جاری می شود. هیچ مشکلی نیست که قابل حل نباشد درصورتی که منطقی باشیم و از کاه، کوه نسازیم و طرفین خود را در جای همسرش قرار دهد نه اینکه تصورکنیم، هر چه ما می گوئیم صحیح است ودیگری اشتباه می کند؟! به گفته کارشناسان، ازدواجهایی که در آنها هماهنگی بیشتری میان زوجین و جود دارد موفق ترند.و کمتر به طلاق می انجامد. تشابهاتی مانند طبقه اجتماعی، سطح تحصیلات، سطح هوشی، هم نژاد بودن، دین مشابه داشتن، هم زبان بودن و... یک ازدواج موفق را رقم می زند. ازدواجی که با تشابه نژادی، زبانی، روانی و اجتماعی صورت بگیرد ازدواجی موفقیت آمیزاست. تفاوت طبقاتی یکی از عواملی است که باامکانات اجتماعی، معمولاً دیدگاههای مختلفی را بوجود می آورد. البته اگردو نفر، آن اندازه از آگاهی لازم برخوردار باشند که این تفاوتها را به رسمیت بشناسند (و معتقد باشند همه خوبیها در شخصی کمتر جمع می شود و بی عیب خدای متعال است) ازدواجشان منعی ندارد.

طلاق بعنوان یکی از مهمترین پدیده‌های حیاتی انسان است و می توان گفت کمتر پدیده اجتماعی به پیچیدگی طلاق وجود دارد. علل و عوامل طلاق متفاوتند این علل و عوامل یا در لایه های عمیق اجتماعی قرار دارند یا در لایه های ظاهری. اما باید توجه داشت که درک، فهم و تفسیر لایه های عمیق کار پیچیده است.

علل و عوامل تأثیرگذار در طلاق عبارتند از:

۱- عدم صداقت و راستگویی (مخفی کار و متظاهر بودن)

۲- چشم داشت به مال یا زیبائی.

۳- عدم تفاهم و توافق اخلاقی(تضاد عقیدتی).

۴- ناسازگاری و عدم سازش.

۵- بداخلاقی و بدرفتاری.

۶- خشونت (غر زدن، یا کتک زدن).

۷- سوء ظن.

۸- تفاوت و تضاد فکری در زندگی کردن.

۹- تفاوتهای فرهنگی داشتن.

۱۰- ازدواج دوم.

۱۱- دخالت دیگران در زندگی زوجین.

۱۲- اختلاف سن زیاد داشتن زوجین.

۱۳- عدم علاقه بیکدیگر.

۱۴- بیماری روحی.

۱۵- بیکاری.

۱۶- عدم توافق در مسائل جنسی (زناشوئی).

۱۷- ازدواج اجباری.

۱۸- اعتیاد داشتن.

به تجربه آمار گرفته شده است،در میان طبقات مختلف اجتماعی (بالا، متوسط، پائین).

تفاوتهای اساسی دو طبقه پائین جامعه، مهترین علت طلاق مشکلات مالی عنوان می‌شود. و بیکاری و ندادن نفقه، اعتیاد، خشونت و بد اخلاقی و بدرفتاری

در میان دو طبقه بالا، و متوسط شامل، عدم تفاهم و توافق اخلاقی است. در حالیکه در میان طبقه متوسط جامعه، تفاوتهای فرهنگی مهمترین عامل است.

بهرحال از هر دسته و طبقه جامعه باشیم، زمانی که بخود واقعی (شخصیت حقیقی خودتان) صدمه وارد می‌شود و باعث پائین آمدن عزت نفس می‌شویم، آنموقع است که طلاق منفورترین حلال را بجان می‌خریم. زمانیکه ما به خودمان ضربه وارد می کنیم (اقتصادی وآبروئی) و تحمل اینکه خود واقعی فرد هیچ احساسی بطرف متقابل ندارد و تنها راه نجاتش را طلاق می داند. در حقیقت دوستی و مهر و محبت جای خود را به دشمنی و شقاوت داده.

از نظر روان شناسان فروپاشی یک خانواده یک رویداد ساده نیست، زیرا باید همه خاطرات و تجربیات نامطلوب زندگی از ذهن پاک شود و از بین برود تا فرد بتواند خود را با شرایط آتی زندگی هماهنگ سازد.

وقتی دوام زندگی دچار مشکل شود، اعتماد به نفس و آرامش انسان بخطر می‌افتد وهمراه بااین به خطر افتادن، اگر طلاق صورت نگیرد باعث نابودی خود یا همسر می شود. در حوادث روزنامه فرانسه قید شده بود که بعلت اینکه در فرانسه طلاق خلاف قانون اجتماعی است نوعاً همسران به طرز مرموزی به قتل می‌رسند و حتی گرد سیانور ازطریق زیر ناخنها به بدن همسران وارد شده و آنان را به قتل می‌رساندند. (بنابراین طلاق در اسلام حکم شیر اطمینان را دارد).

بشنواین نکته که خود راز غم آزادکن

خون خوری ، گر طلب روی ننهاده کنی

آخر الامر گل گوزه گران خواهی شد

حالیا فکر سبو کن که پر از باده کن

گر از آن آدمیانی که بهشتت هوس است

عیش با آدمی چند پری زاده کنی

تکیه برجای بزرگان نتوان زد بگزاف

مگر اسباب بزرگی همه آماده کنی
خاطرت کی رقم فیض پذیرد هیهات
مگراز نقش پراکنده ورق ساده کنی
کار خود گر بِکَرم بازگذاری حافظ
ای لب عیش که با بخت خدا داده کنی
ای حب، بندگی خواجه جلال الدین کنی
که جهان پرسمن و سوسن آزاده کنی

مهمترین عامل طلاق، توقعات نادرستی است که طرفین از یکدیگر دارند. و دیگر عامل در جامعه امروز بحران شخصیت است، همان بحرانی که سبب می شود بعضی از ازدواجها صورت گیرد، بحران تنهایی یا یک خلأ عاطفی، خلعی که باعث می شود درسن پائین، فرد تصمیم بگیرد با ازدواج این گره یا عقده را از هم بگسلد.

چنین افرادیکه هنوز به بلوغ روانی کامل نرسیده و آگاهی لازم راجهت ازدواج ندارند، فقط برای اینکه تنهایی خود را پر کنند به سراغ ازدواج می روند.

این افراد، نه به مادیات و نه به ظواهر و ... به هیچ چیز توجه نمی کنند وتنها توجه آنها به تشکیل زندگی تازه واستقلال فردی درنتیجه جدا شدن از خانواده خود است. همین بحران شخصیت باعث می شود که فرد به هیچ کدام از تفاوتهای فرهنگی و... یا فرد مقابل توجه نکند، تا فقط به استقلال فردی دست یابد. بنابراین بحران شخصیت بطور غیرمستقیم، طلاق رانیز برای فرد رقم می زند.

ای کاش همه آنهائیکه با عجله بر سر سفره عقد می‌نشینند و یا از پله‌های محضر بالا می روند تا با عجله «بله» بگویند واسمشان برود توی شناسنامه دیگری، قبل از همه آن امضاها سری به دادگاهها می‌زدند، و آدمها رانگاه می کردند. و می‌دیدند چنان عاشق و دلباخته‌ها، همچون لیلی و مجنون در دادگاه سر همدیگر داد می‌زنند! و حیله‌ها و خدعه‌های یکدیگر را بر ملا می کنند که به چند مورد آن اشاره می کنم.

درمرحله اوّل دادگاه می ترسند که بگویند آمده اند دادگاه، فرقی نمی کند خواهان باشی یا خوانده اعتراف باینکه زندگی اشتباه بوده و به بن بست خوردی سخت است، اما کم کم راه می‌افتی. درواقع زمانی رسیده که بخود واقعی ما صدمه وارد شده و باعث پایین آمدن عزت نفس شده‌ایم. آن موقع است که طلاق، منفورترین حلال برایمان حکم داروی نجات بخش را دارد. زیرا تحمل زندگی برایمان سخت شده و هیچ احساس عاطفی بطرف مقابل نداشته و تنها راه نجات را در طلاق می‌بینیم.

در صورتیکه با منطقی بودن و شنیدن راه‌کارهای بزرگان فامیل و گذشت و ایثار، طرفین، از خیلی از این طلاقها می توان جلوگیری کرد. قضاوت با شماست.

مصاحبه ۱: سن ۲۳ ساله‌ام و یک‌سال‌ونیم است ازدواج کردم، زنم فامیلم است، بخاطر اختلاف فامیلی، پدرزنم نمی گذارد زندگی کنیم، زنم را برده خانه اش و مجبورش کرده است مهریه اش را اجرا بگذارد، مهریه اش، پانصد سکه است می شود پنجاه میلیون من هم بیکارم هم اکنون دادگاه دارم. آمدم بپرسم راهی هست زندان نروم یا نه؟

چرا اینقدر مهر کردی؟ نمی خواستم، پدر و مادرم اصرار کردند.

مصاحبه ۲: من ۳۱ ساله ام و دو بچه دارم، پسرم اول راهنمایی است و دخترم دبستان، شوهرم معتاداست وهر روز دنبال یک زن.

چرا این همه سال صبر کردی؟

از طلاق می ترسیدم، گفتم خوب می شود، اما بدتر شد.

مصاحبه ۳: شش ماه است عقد کردیم، اما خواهرشوهرم خیلی دخالت می کند، آمده ام، مهرم را اجرا بگذارم، بعد تقاضای طلاق

کنم.

مهریه‌ات چقدر است؟

سیصد سکه

با شوهرت چگونه آشنا شدی؟

دوست خیابانی

مصاحبه ۴: سه سال است ازدواج کردم، یک بچه ۲ ساله دارم شوهرم دوهفته است، مرا خانه پدرم گذاشته و رفته، می خواهم مهرم را اجرا بگذارم تا مجبور شود بر گردد.

شوهرت چیزی از خودش دارد؟

نه، هیچی.

چرا کار به اینجا کشید؟

اولش خوب بود، فروشنده لوازم یدکی بود.

پس چرا بعد از سه سال می خواهی جدا شوی؟

اولش عاشق بودم ولی بعد...

مصاحبه ۵: زنم مهرش را اجرا گذاشته و آدرس محل کارم راهم داده است، دیروز مأمور دادگاه آمد، محل کارم و آبرویم را برد، می خواهم برگردد، می‌توانم از دادگاه حکم بگیرم که نفقه می دهم و او برگردد.

زنت می تواند بگوید نفقه نمیخواهم، خانه ات هم نمی آیم، با زور که نمی توانی مجبورش کنی...

نقل است جوانی خدمت حضرت رسول اکرم رسید و از ایشان خواست که اسماء اعظم خداوند را به او یاد دهند، حضرت قبول کردند و گفتند مانعی ندارد، بشرط اینکه در کنار فلان پل رفته و آنچه مشایعت کردی بیائی و بازگو کنی. جوان قبول کرد و فردا صبح در کنار پل رفته، رفت و آمد مردم را نظاره می کرد تا اینکه پیرمردی را دید که بر دو طرف شانه خود شاخه های درخت خرما را حمل می کند ودر موقع گذر از پل به دونفر جوان برخورد کرد و شاخه ها به آنها اصابت کرد، فوراً پیرمرد حلالیت و معذرت خواهی کرد، ولی سودی نبخشید و آن دوجوان آن پیرمرد را کتک زدن و او و شاخه های خرمایش را از بالای پل به رودخانه انداختند، جوان نظاره گر اوضاع بود و دخالت نکرد، آن دو جوان رفتند و پیرمرد بهر زحمتی بود خود و شاخه های خرما را ازآب نجات داد و آفتاب گرفت تا خشک شدندو مجدداً بار خود را بدون هیچ ناسزاگوئی و ناشکری بدوش گرفت و رفت.

جوان خدمت پیامبر مراجعه کرد و شرح واقعه را گفت، حضرت از او پرسیدند اگر تو جای آن پیرمرد بودی چه می کردی در حالیکه اسم اعظم را هم در اختیار داشتی، جوان بدون معطلی گفت یک جوان را اینطرف پل و یک جوان را آنطرف پل سنگ می کردم. حضرت فرمودند، می دانی آن پیرمرد، همه اسماء اعظم الهی را حافظ بود ولی از آنها استفاده نکرد، بنابراین تو ظرفیت دانستن آنرا نداری. (هر انسان رویه طبیعی و ژنتیک دارد که به آن شاکله می گویند، هنر و امتحان انسان در این است که اگر به کار خلاف و اخلاق ناپسند میل دارد علی‌رقم میلش کار خوب واخلاق پسندیده را تمرین کند تا تعالی یابد)

خواننده محترم در امور زندگی هم انسان باید جنبه و ظرفیت داشته باشد نه اینکه در مرحله اوّل علم، یا مال یا مقام آنقدر تکبر ورزد که خدا را بنده نباشد و قِص علی هذا. ... در مکتب شیعه ثروت کم، که احتیاجات انسان را برطرف کند و به دیگران محتاج نباشد و حلال و پاک باشد از مال شُبه‌ناک و آلوده به حرام هر چقدر زیاد باشد افضل است. و صورت زیبا، در دنیا بواسطه والدین و خداوند متعال به تصویر کشیده شده است وصورت زیبای قیامت که از آنها نور انتشار دارد از اعمال و رفتار خود ما ایجاد می شود و خدای نکرده بعضاً که صورت خود را زشت و تاریک در دنیا به تصویر کشیده اند از دیگران خواهش می کنند، صورت

خود را برگردانید تا ما هم جلو پایمان را ببینیم و آنها در جواب می گویند، شما در دنیا باید بفکر امروز می‌بودید واجازه چنین کاری را نداریم. بنابراین بیائید قدر یکدیگر بدانید که ناگه ز یکدیگر نمانیم.

متأسفانه ساختار آموزشی کشور، مناسبتش، درمورد آگاهی افرادی که می خواهند ازدواج کنند، کُند است، لذا باید از مشاوره خانواده استفاده شود و با کمال تأثر و تأسف باید گفت مهمترین شالوده زندگی که ازدواج است نوعاً برپایه دروغ و خدعه و حیله وتجارت و... پایه گذاری می شود که این مقدمات در آینده ای نه چندان دور ناسازگاری ... را بدنبال خواهد داشت، در صورتیکه با صداقت و راستی و توانائیهای داماد، در مورد صداق، زندگی ها را محکمتر وشیرین تر خواهند کرد و امید به آینده و تلاش برای زندگی بهتر و فرصت فکر کردن به حرفهای منطقی همواره و راههای ناپسند را از انسان سلب می کند.

مضافاً به اینکه اگر چه طلاق آخرین راه حل است، ولی بهترین راه حل نیست زیرا احساس جدا شدن، تنهایی ومنزوی شدن فرد، باعث سوء تعبیرها و در مورد افراد بی ایمان خودکشی را افزایش می دهد، این افراد از زندگی لذت نمی برند و احساس پوچی به ایشان دست داده و با خودمیگویند من برای چه زنده‌ام؟ حالا بر سر من چه می آید؟ از این پس چگونه باید زندگی کرد؟ و بمرور، فرد نسبت به جنس مخالف و در تعمیم آن نسبت بهمه افراد جامعه بدبین شده و ازطرفی دلسوزی بیش از حد اطرافیان، باعث می شود مشکلات روحی افرادِ مطلقه تشدید شده و جَوّ، بی‌اعتمادی بوجود آید.

در مورد فرزندان طلاق وضعشان از والدینشان بهتر نیست و از روز جدایی پدر و مادر فرزندان دچار استرس و افسردگی می شوند لذا در مواردیکه به آخرین راه حل رسیده اید با مشاوره عمل کنید که ذهنیت منفی برای فرزندان طلاق ایجاد نشود و حتی الامکان آنان را با حقیقت آشنا کرده و به هیچوجه از آنان بعنوان خبرچینی و جاسوسی طرف مقابل استفاده نکنید وبهتر است به آنان تفهیم کنید ما همدیگر را درک نمی کردیم. و از یکدیگر توقعات نادرستی داشتیم و زمینه را برای زندگی آتی او که فارغ از تنش و استرس باشد، فراهم نمائید وامید به آینده را در ذهن فرزندتان روشن نگهدارید، باشد که انشاءا... پس از مدتی مجدداً رجوع حاصل شود و بر دهان نفس اماره لگام زده و دو نفر باعث خوشبختی یکدیگر شده و برای خوشبختی فرزندان ایثار کرده و بالاترین لذت رادر ترک لذت (نفسانی) بدانید.

اگر لذت ترک لذت بدانی

دیگر لذت نفس لذت نخواهی

اگر از مطالب خوشتان آمده معلوم میشودکه با بنده هم عقیده‌اید لذا برای همه چیز روزانه ۱۰۰ مرتبه صلوات با و عجل فرجهم بگوئید.

توصیه می شود، مقدسات و حریم الهی را مقدس شمرده و با پیروی از وساوس شیطانی آینده خود و دیگران را خراب نکنید، بخصوص در آخر الزمان که عمرها کوتاه و آروزها طولانی است. و با کمی عمر فرصت دویا چند بار تجربه در امور دنیا، بخصوص امر ازدواج وجود ندارد، دختر خانمی با پسر جوانی در خیابان یا پارک آشنا شده بودند و پس از اشاره ولبخند کار به ازدواج کشیده هنوز شش ماه از ازدواج آنها نگذشته بود که کنتاکت لفظی ایجاد شده و توقعات نامعقول که مرد با سوءظن می‌گوید شاید قبل از من تو با کس دیگری رفیق بوده‌ای، هر چه زن انکار می‌کرد، شوهر زیر بار نمی‌رفت و متأسفانه کار به طلاق و جدائی کشید.

تمام سرمایه زن حیاء و عفت اوست، لذا زمانیکه خود را آرایش کرده و برای خودنمائی و ارائه زیبائی به نامحرمان است، هیچ ارزش و قیمتی ندارند و چنین زنان همال شیطان هستند.

در روایات اسلامی آمده اگر زنی خود را خویش بو کند واز منزل خارج شود تامراجعت او به منزل، فرشتگان او را لعنت می کنند. حال اگر کسی خود را برای غیرشوهرش تزئین نماید چه حکمی دارد؟!

الگوی خانم ها در زندگی حضرت خدیجه کبری و فاطمه زهرا و حضرت زینب و حضرت معصومه و... می باشند. و الگوی آقایان حضرت محمد بن عبدا... و حضرت امیرالمومنین وائمه اطهار و آقا ابوالفضل العباس نه فلان ستاره سینمائی هالیود و اروپا که فرهنگ واخلاق و مذهب آنان با مسلمین مغایرت دارد.

خلاصه اینکه انسان خود را به قرآن ارائه دهد اگر اعمال و رفتارش با قرآن مطابقت دارد خرسند باشد اگر چه دیگران او را بد، بدانند زیرا خداوند بنده مخلص خود را بین بندگانش مخفی کرده واستجابت دعا را بین دعاها و خشم و غضب خودش را بین گناهان بنابراین هیچ بنده ای را کوچک نشمارید و هیچ دعائی را کم نشمارید و هیچ گناهی را کوچک ندانید از طرف دیگر در این چند روز دنیا به آنچه سعی کرده ایم بدست آوریم و نتوانسته ایم یا حقمان نبوده و یا مصلحت الهی یا خود ما نبوده امتحان می‌شویم.

و آبرو را در پُست و مقام و ثروت ندانیم بلکه عِزَت و آبرو را در ایمان، تقوا، علم و دانش، عقل و جهاد با نفس و نماز شب بدانیم و از کبر و حَسَدْ و حِرص دوری کنیم که تکبر، شیطان را رانده کرد و حَسَد باعث شد قابیل برادش هابیل را بِکُشَدْ و حِرص باعث شد که آدم و حوا از بهشت خارج شوند.

توصیه ای دیگر به نسل جوان:

اگر می خواهید راهی را که اروپائیان بخصوص امریکا طی کرده تکرار نکنیم که زن را بعنوان عروسک و دکور زندگی و به ابزار تقلیل داده اند طی نکنیم بیائید از دستورات اسلام عزیز و سادگی و بی آلایشی صدر اسلام تبعیت کنیم.

روزی در مسجد پیامبر، خانمی پس از نماز ایستاد و گفت ای پیامبر خدا، من شوهر ندارم آیا کسی هست مرا به همسری خود درآورد، حضرت ختمی مرتبت اعلان کرد و یک نفر بلند شد، حضرت سوال کردند چه چیزی داری که صداق قرار دهی آن مرد گفت از مال دنیا هیچ فقط حافظ قرآنم حضرت فرمودند آیا حاضری صداق این زن را خواندن قرآن قرار دهی؟ آن مرد گفت بله و آن زن هم قبول کرد و عقد جاری شد.

در اروپا و بیشتر در آمریکا دیگر ا زدواج بطور رسمی برقرار نیست بطوریکه بیشتر ازدواج‌ها بصورت دوستی برقرار می شود و هر کدام تمایل بفرزند دارند می‌توانند سفارش دهند و دیگر فرزند بدنیا آمده ربطی به طرف مقابل ندارد. (سیر حیوانیت)

در کشورهای دیگر اروپائی هم پسر یا دختر خانواده در سن ۱۷-۱۶ سالگی بایستی خانه پدری را ترک کند و خود تشکیل خانواده و زندگی دهد ولی در کشور عزیز اسلامی ما، چرا مهریه بعنوان حربه‌ای در دست زن در مواقع اختلاف بعنوان قهریه از آن استفاده می‌شود؟!

و شروع زندگی که باید با شادی و آرامش شروع شود و روز به روز بر شادی آن افزوده شود با یکسری تمهیدات و تشریفات و فشارهای روحی، روانی و مادی بر خانواده طرفین زمینه روابط آنقدر فشار ایجاد می کند که برای فرزندان دیگر چندان رقبتی نیست و بعضی مواقع حتی داماد یا عروس از انتظارات بی جا به ستوه آمده و زمینه استرس و بی مهری فراهم می‌شود. اگر استطاعت دارند یک میلیارد هم مهریه مانع ندارد ولی اگر تمکن نیست چرا؟!

ای نسل جوان:

بیائید برای نجات خود و دیگران در دنیا و آخرت از دستورات دینی پیروی کنید، و دستورات خدا و پیامبر و ائمه را بر دیگران مقدم دارید تا زندگی به کام شما باشد و برکت به زندگیتان راه یا بد و هم خود و خانوادتان سالم و صالح و آسوده باشید.

در صورتیکه اگر بـا انسـانیت که مقـدمه اسـلامیت است خـداحافظی کنیـد، جامعه‌ای بمراتب بـدتر و غم‌انگیزتر از اروپائیان خواهید داشت.

در آخر متـذکر می شویم بخود و به هم وطنان عزیز و غیرتمنـد ایران اسـلامی که این مکتب گرانقدر شـیعه پس از نقصان حضـرت ختمی مرتبت تاکنون مورد تجاوز منافقان بوده و در استمرار راهشان کفار به کمکشان آمده و با برنامه ریزی میشل افلق از انگلستان که یهودی بود حزب وهـابیت (القاعـده) را در عربسـتان حزب بَعْث را در عراق و سوریه حزب بهائیت را در ایران و حزب طالبان را در افغانسـتان و آتـاترک را در ترکیه پیاده کردنـد که هـدفشان مبارزه و قلع و قمع مسـلمانان، بخصوص شـیعیان بوده و هست و بنام اسـلام، مسـلمین را در طول سـیصد سال اخیر از لب تیغ گذرانـده و در این اواخر با بمب گـذاری در حرم مطهر حضـرت رضا علیها سلام و قبور ائمه اطهار و عزارداران ایشان خود را نعوذباا... از پیامبر و ائمه اطهار بالاتر میدانند و قرآن را به رأی خود تفسیر می کنند و زیر بار معصومین علیهم السـلام که هیـچ، زیر بار عقل و فهم و علم هم نمی رونـد آیا شـیعه احترامی که برای ائمه بقیع قائل اسـت کمتر از احترامی است که برای امام رضا (ع) یا کربلا یا کاظمین یانجف و سامراست؟! البته که خیر و احترام شـیعه به دسـتورات این بزرگان که در راستای خط حضرت ختمی مرتبت هستند قائلند، نه چیز دیگر لذا اگر خود را شیعه جعفری می‌دانند. باید ضمن، عهد و پیمـان و میثـاق با این بزرگان در هر حرکتی و اقـدامی از این بزرگان اطاعت کنیم. و در این راه از چشم و هم چشـمی و رقابتهای کـاذب و خلاـف شـرع و دروغ و خـدعه و حیله که جـای خود را با زرنگی و فعال بودن عوض کرده و نوعاً نامردی و نامردمی را با زرنگی اشـتباه می‌کنیم صـرف نظر کردو بجـای آن راستی و دوستی و یـک رنگی و صـداقت و کمک به هم نوع ضـعیفتر و دور از تشـریفات زندگی سالم داشـتن و حلال را هر چند، بی‌مقدار باشد بر حرام، هر چند زیاد و قابل توجه باشد ترجیح دهیم که این خط سیر، علاوه بر رستگاری خود و خانواده و جامعه اسلامی باعث الگو پذیری کشورهای دیگر و هم‌کیشمان خواهد شد و خود مقدمه است برای مسـئله انتظار آخرین ذخیره هدایت بشـریت در سـطح گیتی اگر مصمم به انجام امور بالا شده اید و درصدد اجرا با توکل بخدا شدید از هم اکنون خود را سـرباز امام عصـر بدانید و گوش بفرمان ایشان باشید که حرف ایشان با استدلال عقل و علم و قرآن حرف خداوند متعال است (نه حرف استعمارگران صهونیست که به هیچ دین و آئینی پای بند نیستند و فقط خودخواهی‌های خود را هدف دارند) انشا ا ...برای تقویت اعتقادات و پیشرفت مقاصد عالی یاور همدیگر باشید.

وسلام علی من التبع الهدی

۱۴۲۷ هجری قمری

یازدهم ذیحجه مصادف

با ولادت امام هستم علیه‌السلام

قبل از ازدواج خوب چشمهای خود را باز کنید و بعد از ازدواج کمی چشمهای خود را ببندید.

درباره مرکز

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ فی سَبيلِ اللَّهِ ذلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خـدا جهاد نماییـد؛ این برای شـما بهتر است اگر بدانید حضـرت رضا (علیه السّـلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشـهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی

آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگـانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابـل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عـده ای خیر انـدیش اداره و تامین گردیـده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضـر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صـاحب اصـلی ایـن خـانه (قـائمیه) امیـد داشـته و امیـدواریم حضـرت بقیه الله الاـعظم عجـل الله تعـالی فرجه الشـریف تـوفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شـماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شـماره حساب شبا : -IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱ ۰۶۰۹-۵۳به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سـندش، از امام حسـین علیه السـلام -: هر کس عهـده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جـدا کرده است و از علوم مـا که به دسـتش رسـیده، به او سـهمی دهـد تا ارشاد و هـدایتش کنـد، خداونـد به او می‌فرمایـد: «ای بنـده بزرگوار شریـک کننـده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سـزاوارترم. فرشـتگان من! برای او در بهشت، به عـدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسـکری علیه السـلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشـتن بینـوایی ضـعیف را دارد و تـو او را از دسـتش می‌رَهـانی، یـا مردی نـاصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضـعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سـپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسـند زیـد: امام حسـین علیه السـلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخوانـد و او اجابت کنـد، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».


قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹